
جنبش بارزان

شیخ احمد بارزان در اسناد ایران

THE BARZAN MOVEMENT

Sheikh Ahmad Barzan in the Iranian Archives

۱۲۸۸ - ۱۳۴۹

1909 - 1970

بهرام ولدبیگی

جلد اول

سرشناسنامه	: ولدبیک، بهرام، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدید آور	: جنبش بارزان؛ شیخ احمد بارزان در اسناد ایران / بهرام ولدبیک.
مشخصات نشر	: تهران : نشر ثالث، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	: ج: مصور
شابک	: دوره: 6-339-405-978-600-405-340-2؛ ج: ۱؛
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: بارزان، احمد، ۱۳۴۹-۱۲۷۵.
موضوع	: بارزانیان -- تاریخ -- اسناد و مدارک
موضوع	: Barzan (iranian people) -- History -- Sources
موضوع	: کردان -- عراق -- تاریخ -- قرن ۲۰ م. -- جنبش‌ها و قیام‌ها -- اسناد و مدارک
موضوع	: Kurds -- Iraq -- History -- 20th century -- *Protest movements -- Sources
موضوع	: کردستان (عراق) -- تاریخ -- جنبش‌های استقلال طلب
موضوع	: Kurdistan (Iraq) -- History -- Autonomy and independence movements
شناسه افزوده	: انستیتو فرهنگی کردستان
رده بندی کنگره	: DSV ۰/۸۸ ک ۴۰۸ ۱۳۹۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۶/۷۰۰۴۹۱۵۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۸۶۷۰۹
وضعیت رکورد	: فیبا



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند/بین ایرانشهر و ماهشهر/
پلاک ۱۵۰/طبقه چهارم/تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷
فروشگاه: خیابان کریمخان زند/بین ایرانشهر و ماهشهر/
پلاک ۱۴۸/تلفن: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶
www.Salesspub.ir
info@Salesspub.ir



انستیتو فرهنگی کردستان - تهران
تهران، بزرگراه کردستان - صندوق
پستی ۹۹۱-۱۴۳۹۵
www.Kurdistanir.ir
Bahram_kci@hotmail.com

جنبش بارزان شیخ احمد بارزان در اسناد ایران

به کوشش: بهرام ولدبیک
ناظر و بررسی اسناد: دلفان ادریس بارزانی
سرپرست پروژه: بختیار شاخی
مدیر هنری: پیمان کاکابرائی
حروفچین: آذین ولدبیک
مراکز اسناد:

- ۱- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران - تهران
 - ۲- مرکز اسناد ملی ایران - تهران
 - ۳- انستیتو فرهنگی کردستان - تهران
- ناشر: ثالث - تهران
لیتوگرافی: جامع هنر
چاپ: سازمان چاپ احمدی
صحافی: نوری
چاپ اول: تهران - ۱۴۰۰ / ۲۰۲۱
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۳۳۹-۶
شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۳۴۰-۲
ISBN: 978600405-339-6
978600405-340-2

فهرست

www.ketabo.com

۲۶

دیباچه؛ بارزان، کانون جنبش رهایی بخش کردستان عراق

۲۷

الف. دوران گسترش طریقت نقشبندی و جایگاه خانقاه بارزان

۲۷

۱. شیخ تاج‌الدین بارزان

۲۸

۲. شیخ عبدالرحمن بارزان

۲۸

۳. شیخ عبدالله بارزان

۲۸

۴. شیخ عبدالسلام بارزان (اول)

۲۸

۵. شیخ محمد بارزان

۲۸

ب. ورود بارزان به تحولات سیاسی کردستان عراق

۲۹

۱. شیخ عبدالسلام بارزان

۲۹

۲. شیخ احمد بارزان

۲۹

۳. ملا مصطفی بارزانی

۲۹

۴. ادریس بارزانی

۳۰

۵. مسعود بارزانی

۳۰

شیخ احمد عارف آرمان‌خواه

۳۱

نگاهی به مبارزات شیخ احمد بارزان در آیین‌های اسناد

۳۸

ضرورت انتشار و اهمیت تاریخی اسناد جنبش بارزان

۳۸

جنبش بارزان در آیین‌های اسناد ایران

۳۸

سرانجام

سال ۱۳۰۲ - ۱۹۲۳

- ۴۳ سند ۱ وزارت جنگ: اتحاد سید طه و شیخ بارزان با عشایر کرد و بدست آورگن مهمات عثمانی و اتحاد با عشایر آشوری و حرکت قوا که نتیجه کنفرانس لوزان است.
۱۳۰۲/۲/۱۲
1923/5/3

سال ۱۳۰۵ - ۱۹۲۶

- ۴۷ سند ۲ وزارت امور خارجه: گزارش‌های متفاوت از رابطه ایران و دولت عثمانی و ایل «هرکی» که همه ساله از موصل و کرکوک به اشنویه بیلاق می‌کنند
بدون تاریخ
- ۵۹ سند ۳ دارالترجمه وزارت امور خارجه: برنامه و مفادهای در جهت اداره قلمرو کردها توسط کردها در جهت همسو کردن اقوام مختلف در عراق
۱۳۰۵/۱/۳۰
1926/4/20
- ۶۱ سند ۴ وزارت امور خارجه / اداره امور سیاسی: گزارش در جهت انتشارات جراید به زبان کردی و خواست استقلال کردها و همچنین همسویی چند جریده عربی با استقلال کردها
۱۳۰۵/۵/۲۹
1926/8/21
- ۶۵ سند ۵ وزارت امور خارجه / اداره امور سیاسی: ترجمه مقاله‌ای از روزنامه نداء الشعب که به معاهدات ایران و استقلال کردها اشاره دارد
۱۳۰۵/۶/۱۳
1926/9/5
- ۹۳ سند ۶ وزارت امور خارجه / اداره تشریفات: گزارش ۱۳ صفحه‌ای وزارت خارجه‌ی ایران درباره‌ی اختلافات عراق (و انگلستان) و ترکیه بر سر موصل و شمال عراق، وضعیت کردستان عراق، نگرانی از تشکیل حکومت مستقل کردستان در جوار مرزهای ایران
۱۳۰۵/۷/۱
1926/9/24

سال ۱۳۰۶ - ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸

- ۹۵ سند ۷ خبر روزنامه اوقات عراقی: گزارش روزنامه اوقات عراق در مورد حضور سمکو در عراق که سبب برهم زدن قوای عراق شده و حکومت به او پیشنهاد داده خود و اتباعش مواجب بگیر شوند
۱۳۰۶/۹/۱۴
1927/12/6
- ۹۷ سند ۸ ترجمه از جریده العالم العربی: حضور سمکو در بخش شمالی عراق و احتمال اتحاد ایشان با شیخ احمد بارزان و نگرانی از این اتفاق برای منطقه و عراق
۱۳۰۶/۹/۱۴
1927/12/6
- ۹۹ سند ۹ وزارت امور خارجه / قونسولگری دولت علیه ایران / موصل: درباره شیخ احمد بارزان، بازگشت و عقب نشینی قوای نظامی عراق از کردستان به سمت موصل به دلیل برودت هوا و کوهستانی بودن منطقه
۱۳۰۶/۱۲/۱۴
1928/3/5

سال ۱۳۰۷ - ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹

- ۱۰۱ سند ۱۰ قونسولگری دولت علیه ایران / موصل: گزارشی در مورد سمیتقو که گویا پریشان حال است و شاید به دلیل فوت برادر ایشان بوده باشد و آمده که اگر اطمینان حاصل کند عفو می‌شود خود را تسلیم نموده و اکنون به نزد شیخ احمد بارزان رفته است.
۱۳۰۷/۱/۲۰
1928/4/9
- ۱۰۷ سند ۱۱ وزارت امور خارجه / نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در بین النهرین: درباره‌ی مسالهی استقلال و استقلال خواهی کردها؛ سیاست دولت‌های خارجی؛ اظهارات و رویکرد جلادت بیگ درباره ایرانی بودن کردها و تشکیل دولت مستقل کرد تحت قیمومیت ایران و ارزیابی‌ها در این مورد.
۱۳۰۷/۷/۲۷
1928/10/19

۱۱۳	۱۳۰۷/۹/۲۰ 1928/12/11	وزارت امور خارجه / نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در بین النهرین: گزارش پیرامون اقدامات، نظریات و سیاست‌های کمیته خویبون در حلب و اقدامات دولت ترکیه برای مقابله با آن	سند ۱۲
۱۱۵	۱۳۰۷/۱۱/۱۱ 1929/1/31	وزارت داخله ایران: گزارش پیرامون سیاست انگلستان در قبال تشکیل کردستان مستقل	سند ۱۳
۱۱۹	۱۳۰۷/۱۲/۳ 1929/3/4	وزارت امور خارجه / نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در بین النهرین: فعالیت‌های کمیته خویبون، تشکیل جمعیت تعالی کردستان و اعضای آن، ارزیابی فعالیت‌های آنها از جنبه‌ی مصالح دولت وقت ایران	سند ۱۴
سال ۱۳۰۸ - ۱۹۳۰ و ۱۹۲۹			
۱۲۵	۱۳۰۸/۱/۱۰ 1929/3/30	وزارت امور خارجه / نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در بین النهرین: تشکیل «جمعیت زرتشتی در کردستان عراق»: اهداف، فعالیت‌ها و سیاست‌های آن، ارزیابی دستگاه دیپلماسی ایران	سند ۱۵
۱۲۷	۱۳۰۸/۵/۲۶ 1929/8/17	قونسولگری دولت علیه ایران / موصل: اطلاع سمکو از نیت ترکیه جهت دستگیری او و رفتن ایشان به زیبار نزد شیخ احمد بارزان	سند ۱۶
۱۲۹	۱۳۰۸/۶/۲۵ 1929/9/16	قونسولگری دولت علیه ایران / موصل: شرحی از وضعیت سمکو و تلاش برای دستگیری وی و عدم استرداد ایشان از جانب شیخ بارزان و همچنین عدم دخالت انگلیس‌ها در مورد دستگیری ایشان و اعزام نماینده انگلیسی‌ها نزد شیخ بارزان	سند ۱۷
۱۳۳	۱۳۰۸/۷/۱۱ 1929/10/3	وزارت امور خارجه: شرحی از وضعیت سمکو و تلاش برای دستگیری وی و عدم استرداد ایشان از جانب شیخ بارزان و همچنین عدم دخالت انگلیس‌ها در مورد دستگیری ایشان و اعزام نماینده انگلیسی‌ها نزد شیخ بارزان	سند ۱۸
۱۳۵	۱۳۰۸/۱۱/۲۲ 1930/2/11	سفارت کبرای دولت ترکیه: رفتن احسان نوری پاشا به تبریز و ساکن شدن سمکو در قریه‌ای از مناطق بارزان	سند ۱۹
۱۳۷	۱۳۰۸/۱۱/۲۶ 1930/2/15	وزارت امور خارجه: صحت پناه بردن سمکو به نزد شیخ بارزان	سند ۲۰
۱۳۹	۱۳۰۸/۱۲/۷ 1930/2/26	وزارت جنگ / ارکان حزب کل قشون: اسکان یافتن سمکو با عده‌ای از اتباعش در قریه ادوای در مناطق بارزان و تلاش ترکیه برای جذب کردن وی	سند ۲۱
۱۴۳	۱۳۰۸/۱۲/۸ 1930/2/27	وزارت امور خارجه / اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه: اظهارات معروف افندی جیاووک درباره‌ی دفاع از حقوق کردها در مجلس عراق	سند ۲۲
۱۴۷	۱۳۰۸/۱۲/۸ 1930/2/27	وزارت امور خارجه: همکاری ایران با دولت عراق برای دستگیری و تسلیم سمیتقو و ناتوانی از دستگیری او و همچنین پیدا کردن ادله برای جرم عمومی و ارتکاب جنایت برای امتناع عراق و انگلیس	سند ۲۳
۱۴۹	بدون تاریخ	وزارت داخله: مبلغ دوهزار پوط از طرف دولت ترکیه به اتوزیک داده شده تا سمکو را که نزد بارزانی بوده بکشد، نفرات اتوزیک کشته شدند	سند ۲۴

۱۵۱	۱۳۰۹/۱/۲۴ 1930/4/13	وزارت امور خارجه / قونسولگری دولت علیه ایران در بصره: انتشار بیانیه حکومت عراق مبنی بر به رسمیت شناختن زبان کردی در کردستان، ارزیابی مقام دیپلماتیک ایرانی از این اقدام و ابراز نگرانی از پیامدهای آن در کردستان ایران	سند ۲۵
۱۵۵	۱۳۰۹/۲/۲۱ 1930/5/11	وزارت امور خارجه / قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران - بصره: گزارش مذاکره نوری سعید با مطبوعات عراقی و اظهارات او درباره‌ی رسمیت یافتن زبان کردی، ناخشنودی مقام ایرانی از این اظهارات و بیان مخالفت با به رسمیت شناختن زبان کردی	سند ۲۶
۱۶۵	۱۳۰۹/۳/۱۸ 1930/5/29	وزارت امور خارجه / قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران - بصره: درباره‌ی جدی‌تر شدن نهضت ملی کرد در عراق، نگرانی از رسمیت یافتن زبان کردی و تشکیل انجمن ترقی اکراد، شرحی درباره ساخت جغرافیایی و ترکیب جمعیتی کردستان و ...	سند ۲۷
۱۷۵	۱۳۰۹/۳/۱۸ 1930/5/29	وزارت امور خارجه / قونسولگری دولت علیه ایران در موصل: گزارش پیرامون شیخ عبیدالله رئیس و بزرگ طایفه سورچی، رابطه‌ی او با شیخ احمد بارزان و اقدامات استخباراتی و عملیاتی انگلیسی‌ها و دولت عراق	سند ۲۸
۱۷۷	۱۳۰۹/۳/۱۱ 1930/6/1	وزارت امور خارجه / سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: دعوت معروف جیاووک از کردهای مقیم بغداد برای تشکیل جلسه و منع کردهای ایران از حضور در جلسه توسط سفارت این کشور	سند ۲۹
۱۷۹	۱۳۰۹/۳/۲۸ 1930/6/18	وزارت امور خارجه / قونسولگری دولت علیه ایران در موصل: گزارش و ارزیابی فعالیت‌های سه تن از صاحب منصبان انگلیسی در شهر موصل با ماموریت مسالهای کردستان و تولید انقلاب در آنجا در پوشش فعالیت تجاری	سند ۳۰
۱۸۱	۱۳۰۹/۴/۴ 1930/6/25	وزارت دربار پهلوی: گزارش وضعیت سردشت و تحسین بزرگان و خانان منگور و وضعیت قابل تحسین سردشت	سند ۳۱
۱۸۳	۱۳۰۹/۱۰/۸ 1930/12/29	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران: پیرامون تمایل شیخ احمد به رابطه با ایران و مکاتبات شیخ محمود با شیخ احمد بارزان	سند ۳۲
۱۸۵	۱۳۰۹/۱۰/۲۸ 1931/1/18	وزارت امور خارجه / اداره کل امور سیاسی: راپورت چگونگی صادرات و طرز معامله شیخ احمد بارزان و اوضاع عمومی اربیل و رواندوز	سند ۳۳
۱۹۵	۱۳۰۹/۱۰/۲۸ 1931/1/18	وزارت امور خارجه / اداره کل امور سیاسی: گزارشی با عنوان «عملیات بر علیه شیخ احمد»	سند ۳۴
۱۹۹	۱۳۰۹/۱۱/۱۶ 1931/2/5	وزارت امور خارجه : ترجمه از الفبا دمشق: کردها در موصل	سند ۳۵
۲۰۱	۱۳۰۹/۱۲/۱۹ 1931/3/10	وزارت امور خارجه / سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: کسب خبر درباره‌ی خسرو پسر اسماعیل آقا سمکو و عشایر کردستان عراق	سند ۳۶
سال ۱۳۱۰ - ۱۳۱۲ و ۱۹۳۱			
۲۰۳	۱۳۱۰/۶/۱۶ 1931/9/8	وزارت امور خارجه: گزارش جریده‌ی الاهرام درباره اطاعت شیخ احمد بارزان از حکومت عراق	سند ۳۷

۲۰۹	۱۳۱۰/۷/۱ 1931/9/24	وزارت امور خارجه / وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران: گزارشی کوتاه درباره ورود ملامصطفی بارزانی به عقره، زیبار و بارزان و شرحی درباره روابط بارزانی‌ها با حکومت‌های عثمانی، انگلیس و عراق	سند ۳۸
۲۱۷	۱۳۱۰/۷/۲۱ 1931/10/14	وزارت جنگ: اعزام نماینده (ملامصطفی بارزانی) از سوی شیخ احمد جهت ملاقات با نماینده حکومت عراق، اشاره به اطاعت تمام کردها از شیخ بارزان	سند ۳۹
۲۱۹	۱۳۱۰/۸/۱۶ 1931/11/8	وزارت امور خارجه: درباره همکاری شیخ احمد بارزان از حکومت عراق و توصیه به رصد افراد برای جلوگیری از تبلیغ در میان کردهای ایران	سند ۴۰
۲۲۱	۱۳۱۰/۹/۲۰ 1931/12/12	وزارت جنگ / ارکان حرب کل قشون: همکاری شیخ احمد از حکومت عراق، خودداری شیخ رشید لولان از عزیمت به بغداد و اختلاف وی با شیخ بارزان	سند ۴۱
۲۲۳	۱۳۱۰/۹/۲۰ 1931/12/12	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: وقوع جنگ بین شیخ احمد بارزان و قوای دولت عراق	سند ۴۲
۲۲۵	۱۳۱۰/۹/۲۳ 1931/12/15	وزارت امور خارجه: ترجمه خبر روزنامه <i>البلاغ</i> موصل؛ برخورد نیروهای بارزانی و عشایر شیروانی	سند ۴۳
۲۲۷	۱۳۱۰/۹/۲۴ 1931/12/16	وزارت امور خارجه / اداره ممالک شرقیه: موضوع همکاری شیخ بارزان به حکومت عراق	سند ۴۴
۲۲۹	۱۳۱۰/۹/۲۴ 1931/12/16	قونسولگری دولت شاهنشاهی / موصل: گزارش جنگ بین نیروهای دولت عراق با بارزانی‌ها و بمباران منطقه بارزان از سوی انگلیسی‌ها	سند ۴۵
۲۳۱	۱۳۱۰/۹/۲۴ 1931/12/16	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: گزارش جنگ میان نیروهای نظامی عراق و ایلات و عشایر کرد با اشاره به برنامه‌ریزی دولت عراق برای سرکوبی آنها پس از شورش شیخ محمود	سند ۴۶
۲۳۳	۱۳۱۰/۹/۲۵ 1931/12/17	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: گزارش جریده <i>البلاغ</i> در خصوص درگیری اتباع شیخ بارزان با قشون و پلیس	سند ۴۷
۲۳۵	۱۳۱۰/۹/۲۵ 1931/12/17	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: اشاره به سیاست حکومت عراق در جهت تضعیف کردها همراستا با سیاست‌های ایران و ترکیه	سند ۴۸
۲۳۷	۱۳۱۰/۹/۲۵ 1931/12/17	وزارت امور خارجه / سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: ترجمه خبر روزنامه <i>البلاغ</i> موصل؛ شرح جزئیات درگیری نیروهای دولتی و بارزانی‌ها و تلفات طرفین	سند ۴۹
۲۴۱	۱۳۱۰/۹/۲۷ 1931/12/19	وزارت امور خارجه / قونسولگری شاهنشاهی ایران در بصره: گزارشی پیرامون اختلاف و مواجهه بارزانی‌ها با عشیره‌ی شیروانی، عملیات قشون دولتی عراق در کردستان، بیانیه‌ی رسمی حکومت عراق، نگرانی طرف ایرانی از پیامدهای این حوادث	سند ۵۰
۲۴۵	۱۳۱۰/۹/۲۸ 1931/12/20	وزارت امور خارجه / سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: درباره جنگ در حال قوع بین دولت عراق و نیروهای بارزانی، بمباران‌های هواپیماهای انگلیسی و سقوط یکی از آنها، غنایم بارزانی‌ها از نیروهای عراقی	سند ۵۱
۲۴۷	۱۳۱۰/۱۰/۱ 1931/12/23	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: اختلافات شیخ رشید و شیخ احمد بارزان	سند ۵۲

۲۴۹	۱۳۱۰/۱۰/۲ 1931/12/24	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: گزارش مذاکره شیخ احمد بارزان با ماموران دولت ترکیه	سند ۵۳
۲۵۳	۱۳۱۰/۱۰/۴ 1931/12/26	قونسولگری ایران / موصل: موضوع فتوای شیخ احمد و واکنش‌ها، درگیری‌های عشایر کرد و نیروهای عراقی	سند ۵۴
۲۵۵	۱۳۱۰/۱۰/۶ 1931/12/28	وزارت امور خارجه / اداره کل: گزارش راجع به محاربه بین قوای دولتی عراق و شیخ احمد بارزان	سند ۵۵
۲۶۱	۱۳۱۰/۱۰/۸ 1931/12/30	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد / قونسولگری موصل: مسأله‌ی کسب خبر از اوضاع کردستان و نارضایتی کنسول ایران در موصل از کمبود امکانات و نیرو و تأکید بر تلاش خود در این رابطه	سند ۵۶
۲۶۳	۱۳۱۰/۱۰/۱۱ 1932/1/2	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: پیگیری گزارش اختلاف شیخ رشید و شیخ احمد و چگونگی ابعاد آن	سند ۵۷
۲۶۵	۱۳۱۰/۱۰/۱۱ 1932/1/2	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: پیگیری گزارش اختلافات شیخ رشید و شیخ احمد	سند ۵۸
۲۶۷	۱۳۱۰/۱۰/۱۴ 1932/1/5	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: ارسال ترجمه مطلب روزنامه عراقی در ارتباط با اظهار همکاری شیخ احمد بارزانی	سند ۵۹
۲۶۹	۱۳۱۰/۱۰/۱۴ 1932/1/5	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: ترجمه خبر جریده الاستقلال در خصوص اظهار همکاری شیخ احمد و دیدار ملا مصطفی با متصرف موصل	سند ۶۰
۲۷۱	۱۳۱۰/۱۰/۱۴ 1932/1/5	وزارت امور خارجه: توصیه به مراقبت و کنترل فعالیت کردهای ایران به دنبال وقایع کردستان عراق	سند ۶۱
۲۷۳	۱۳۱۰/۱۰/۱۹ 1932/1/10	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: مطلب نشریه البلاغ موصل درباره‌ی احتمال جنگ بین بارزانی‌ها و نیروهای نظامی عراق و نقش زیباری‌ها	سند ۶۲
۲۷۵	۱۳۱۰/۱۰/۱۹ 1932/1/10	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: بررسی گزارش مربوط به روابط شیخ رشید و شیخ احمد و تهاجم نیروهای عراقی	سند ۶۳
۲۷۷	۱۳۱۰/۱۰/۱۹ 1932/1/10	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: شکست نیروهای عراقی از نیروهای بارزانی و احتمال محاکمه یک مقام ارشد نظامی در پی آن	سند ۶۴
۲۷۹	۱۳۱۰/۱۰/۱۹ 1932/1/10	وزارت امور خارجه: تذکر اهمیت مسأله‌ی کردستان از سوی وزارت خارجه و پاسخ به گلایه‌ی قونسولگری موصل در خصوص کمبود امکانات	سند ۶۵
۲۸۱	۱۳۱۰/۱۰/۲۰ 1932/1/11	وزارت امور خارجه: درخواست تحقیق درباره‌ی صحت و سقم خبر اظهار همکاری شیخ احمد بارزان	سند ۶۶
۲۸۳	۱۳۱۰/۱۰/۲۲ 1932/1/13	وزارت امور خارجه / اداره ممالک شرقیه: درخواست تحقیق نسبت به بررسی صحت و سقم مطالب جریده البلاغ در ارتباط با اظهار اطاعت شیخ احمد بارزان	سند ۶۷
۲۸۵	۱۳۱۰/۱۰/۲۲ 1932/1/13	وزارت امور خارجه: درباره‌ی فعالیت «قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران موصل»	سند ۶۸

۲۸۷	۱۳۱۰/۱۰/۲۸ 1932/1/18	روزنامه الاهالی بغداد : ترجمه خبر به فارسی: مذاکره شیخ احمد با حکومت عراق و شروط وی	سند ۶۹
۲۸۹	۱۳۱۰/۱۱/۳۰ 1932/2/20	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / کرکوک : برنامه‌ریزی دولت عراق برای سازماندهی اقدام نظامی علیه شیخ احمد در فصل بهار	سند ۷۰
۲۹۱	۱۳۱۰/۱۲/۱ 1932/2/21	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / کرکوک و سلیمانیه : تردید و ناتوانی دولت عراق جهت دستگیری شیخ احمد بارزان و مشارکت دولت ترکیه در این دستگیری و دخالت انگلیسی‌ها	سند ۷۱
۲۹۳	۱۳۱۰/۱۲/۴ 1932/2/23	سفارت ایران / بغداد : گزارش سرکوب ایل بارزان و شیخ احمد و تغییر اسکان آنها و جایگزین کردن آسوری‌ها به جای آنها	سند ۷۲
۲۹۵	۱۳۱۰/۱۲/۵ 1932/2/24	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد : اعلام وصول گزارش در ارتباط با مقابله قوای عراقی با بارزانی‌ها	سند ۷۳
۲۹۷	۱۳۱۰/۱۲/۷ 1932/2/26	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل : اعلام ارسال گزارش‌های مربوط به حکومت عراق و شیخ احمد بارزان	سند ۷۴
۲۹۹	۱۳۱۰/۱۲/۸ 1932/2/27	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل : آماده سازی و تدارکات نظامی دولت عراق برای حمله به بارزانی‌ها و نقش دولت انگلستان	سند ۷۵
۳۰۱	۱۳۱۰/۱۲/۱۲ 1932/3/2	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل : تدارکات نظامی دولت عراق، تحرکات عشایر کردستان و تقویت حضور نظامی دولت ترکیه در مرزها	سند ۷۶
۳۰۳	۱۳۱۰/۱۲/۱۹ 1932/3/9	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل : گزارش اظهارات یک مقام عراقی درباره‌ی زمان شروع قشون کشی و مقابله با بارزانی‌ها	سند ۷۷
۳۰۵	بدون تاریخ	وزارت امور خارجه : مصالحه شیخ احمد با حاکم موصل و اعزام ملامصطفی به همراهی ۱۵۰ نفر به عقره	سند ۷۸
سال ۱۳۱۱ - 1932 و 1933			
۳۱۳	۱۳۱۱/۱/۴ 1932/3/24	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد : سوال یکی از نمایندگان پارلمان عراق از وزیر خارجه‌ی این کشور در خصوص شیخ بارزان و شرح جزئیات گفت‌وگوهای پارلمانی	سند ۷۹
۳۱۵	۱۳۱۱/۱/۸ 1932/3/28	وزارت امور خارجه / قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل : گزارش درگیری‌های در حال وقوع در کردستان، بمباران منطقه بارزان توسط هواپیماهای انگلیسی	سند ۸۰
۳۱۹	۱۳۱۱/۱/۹ 1932/3/29	وزارت امور خارجه : درگیری نیروهای بارزانی و دولت عراق در منطقه میرگه‌سور و تلفات سنگین نیروهای عراقی	سند ۸۱
۳۲۱	۱۳۱۱/۱/۱۱ 1932/3/31	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل : موضوع مذاکرات با متصرف موصل راجع به شیخ بارزان و اظهارات مشارالیه	سند ۸۲
۳۲۵	۱۳۱۱/۱/۱۷ 1932/4/6	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد : درباره درگیری نیروهای بارزانی و قوای دولتی عراق و مجروح و مقتول شدن ششصد تن از عراقی‌ها و اسارت شماری از آنان	سند ۸۳

۳۲۷	۱۳۱۱/۱/۱۸ 1932/4/7	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: موضوع روابط شیخ احمد با روسای عشایر کردستان در بحبوحه جنگ وی با قوای دولتی عراق	سند ۸۴
۳۲۹	۱۳۱۱/۱/۱۸ 1932/4/7	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: ترجمه‌ی ابلاغیه‌ی رسمی حکومت عراق پیرامون نبرد علیه کردها، زخمی شدن ملامصطفی بارزانی	سند ۸۵
۳۳۹	۱۳۱۱/۱/۲۰ 1932/4/9	قونسولگری شاهنشاهی ایران در بصره: گزارش جنگ کردها و نیروهای عراقی و ترجمه‌ی بخشی از اخبار و گزارش‌های جراید عراقی مبنی بر وخامت اوضاع در کردستان	سند ۸۶
۳۴۱	۱۳۱۱/۱/۲۰ 1932/4/9	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: جنگ قوای دولتی عراق با شیخ بارزان و کشته و زخمی شدن خلبان و کمک خلبان انگلیسی	سند ۸۷
۳۴۵	۱۳۱۱/۱/۲۱ 1932/4/10	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: خبر زخمی شدن ژنرال انگلیسی در جنگ قوای دولتی عراق با بارزانی‌ها و انتشار اخبار ضد و نقیض پیرامون جنگ و پیروزی‌های طرفین	سند ۸۸
۳۴۹	۱۳۱۱/۱/۲۲ 1932/4/11	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در بصره: درباره‌ی کشته و زخمی شدن سه نفر از صاحب منصبان انگلیسی در جنگ با کردها و ارزیابی دیپلمات ایرانی از دخالت نیروی هوایی انگلیس در این جنگ	سند ۸۹
۳۵۱	۱۳۱۱/۱/۲۲ 1932/4/11	وزارت امور خارجه: تخلیه چندین روستای بارزان جهت جلوگیری از اسارت اهالی آنها توسط عراقی‌ها و انتشار اخباری مبنی بر مکاتبه‌ی شیخ احمد با مقامات عالی عراق، وقوع درگیری‌های پراکنده میان کردها و عراقی‌ها	سند ۹۰
۳۵۳	۱۳۱۱/۱/۲۴ 1932/4/13	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: انتقال مجروحان توسط هواپیماها، خبر تأیید نشده‌ی عدم مشارکت مستقیم انگلیسی‌ها در جنگ پس از کشته شدن خلبان انگلیسی	سند ۹۱
۳۵۵	۱۳۱۱/۱/۲۵ 1932/4/14	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: شرح جزئیات سنگربندی و آماده‌سازی در طیاره‌خانه‌ی موصل	سند ۹۲
۳۵۷	۱۳۱۱/۱/۲۸ 1932/4/17	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: موضوع جنگ عراقی‌ها و کردها و استقامت بارزانی‌ها در برابر نیروهای دولتی	سند ۹۳
۳۶۱	۱۳۱۱/۱/۲۸ 1932/4/17	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: موضوع پشتدوری‌ها و عصیان شیخ احمد بارزان	سند ۹۴
۳۶۳	۱۳۱۱/۱/۳۰ 1932/4/19	وزارت امور خارجه: اقدام دولت ترکیه برای جلوگیری از ورود شیخ احمد به خاک ترکیه و احتمال عقب‌نشینی وی به خاک عراق	سند ۹۵
۳۶۵	۱۳۱۱/۱/۳۱ 1932/4/20	وزارت امور خارجه: زد و خورد بین قوای دولتی و نیروهای شیخ احمد بارزان، پیام شیخ احمد به متصرف موصل و سقوط هواپیمای انگلیسی	سند ۹۶
۳۶۷	۱۳۱۱/۲/۳ 1932/4/23	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: اعلام تصرف بارزان از سوی حکومت عراق، تلفات سنگین نیروهای عراقی و تداوم درگیری‌ها و سقوط هواپیمای عراقی	سند ۹۷
۳۶۹	۱۳۱۱/۲/۳ 1932/4/23	وزارت امور خارجه: حرکت عشایر پشتدوری و جوشن باد برای کمک‌رسانی به شیخ احمد و اعزام قوای عراقی برای سرکوب آنها	سند ۹۸

۳۷۱	۱۳۱۱/۲/۳ 1932/4/23	وزارت امور خارجه: درخواست شیخ احمد از دولت ترکیه جهت مهاجرت به خاک آن کشور	سند ۹۹
۳۷۳	۱۳۱۱/۲/۴ 1932/4/24	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در بصره: مقاومت کردها در مناطق کوهستانی و ساقط کردن یک هواپیمای عراقی، آغاز عملیات احداث دارالحکومه در بارزان	سند ۱۰۰
۳۷۵	۱۳۱۱/۲/۴ 1932/4/24	وزارت امور خارجه: انتشار خبر همکاری عراق، ترکیه و ایران در خصوص شیخ احمد و انگیزه‌ی انتشار این خبر	سند ۱۰۱
۳۷۷	۱۳۱۱/۲/۶ 1932/4/26	وزارت امور خارجه / اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه: روس‌ها اکراد را مسلح نموده و قشون به سرحد اعزام می‌دارند و احتمال دارد بین ایران و روسیه جنگی صورت گیرد	سند ۱۰۲
۳۷۹	۱۳۱۱/۲/۷ 1932/4/27	وزارت جنگ / ارکان حرب کل قشون: تداوم جنگ کردها و عراقی‌ها و بمباران هواپیماهای انگلیسی	سند ۱۰۳
۳۸۱	۱۳۱۱/۲/۷ 1932/4/27	وزارت امور خارجه: شیخ احمد بارزان را ترک گفته و به کوه شیرین رفته است	سند ۱۰۴
۳۸۳	۱۳۱۱/۲/۹ 1932/4/29	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در بصره: خسارت سنگین کردها به نیروهای نظامی عراقی و پنهانکاری دولت عراق در خصوص اخبار جنگ	سند ۱۰۵
۳۸۵	۱۳۱۱/۲/۱۱ 1932/5/1	وزارت امور خارجه: ارزیابی مسأله‌ی عزیمت شیخ احمد به کوه شیرین	سند ۱۰۶
۳۸۷	۱۳۱۱/۲/۱۲ 1932/5/2	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: ساقط کردن هواپیمای انگلیسی در اطراف کوه شیرین توسط بارزانی‌ها و اسارت خلبان آن	سند ۱۰۷
۳۸۹	۱۳۱۱/۲/۱۲ 1932/5/2	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: اطلاع شیخ بارزان از تصمیم دولت عراق برای جنگ با وی از طریق جاسوسان و ادعای کمک محرمانه فرانسه به وی	سند ۱۰۸
۳۹۱	۱۳۱۱/۲/۱۳ 1932/5/3	وزارت امور خارجه: گزارش درباره‌ی عدم پیشرفت مهم قوای عراقی پس از تصرف بارزان، سقوط یک هواپیما و کشته شدن خلبان آن	سند ۱۰۹
۳۹۳	۱۳۱۱/۲/۱۷ 1932/5/7	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: عملیات پیشروی نیروهای عراقی به سمت کوه شیرین و تداوم بمباران هوایی این منطقه	سند ۱۱۰
۳۹۷	۱۳۱۱/۲/۱۸ 1932/5/8	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: تحلیل و ارزیابی سفیر ایران در بغداد از روند جنگ کردستان و اهمیت این مسأله برای دولت عراق	سند ۱۱۱
۳۹۹	۱۳۱۱/۲/۱۸ 1932/5/8	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: تصمیم شیخ احمد برای عزیمت به ترکیه مشروط به داشتن اسلحه و اقامت در نواحی مرزی و عدم موافقت دولت ترک با این شروط	سند ۱۱۲
۴۰۱	۱۳۱۱/۲/۱۸ 1932/5/8	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: ملاقات کاپیتان هولت با شیخ احمد جهت ابرخلاف خلبان هواپیمای ساقط شده و شبهه‌ی گزارش نویس پیرامون روابط وی با کردها	سند ۱۱۳

۴۰۳	۱۳۱۱/۲/۱۸ 1932/5/8	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: قتل قائم مقام زیبار توسط کردها در اطراف بارزان	سند ۱۱۴
۴۰۵	۱۳۱۱/۲/۱۸ 1932/5/8	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: نظر شیخ احمد درباره نیت حکومت عراق از ایجاد تاسیسات در زیبار و دیانا در جهت اسکان آشوری‌ها	سند ۱۱۵
۴۰۹	۱۳۱۱/۲/۱۸ 1932/5/8	ترجمه‌ی مطلب روزنامه العالم عربی: قضیه شیخ احمد بارزان پس از قضیه شیخ محمود	سند ۱۱۶
۴۱۵	بدون تاریخ	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: راپورت ریاست کل هواپیمائی سلطنتی انگلیس در عراق: گسترش عملیات هواپیماهای نظامی و بمباران گسترده و شدید مواضع شیخ احمد بارزان و نیروهای وی، عقب‌نشینی شیخ بارزان به حدود ترکیه	سند ۱۱۷
۴۱۹	بدون تاریخ	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: اظهارات رئیس الوزرای عراق در مجلس این کشور راجع به قضیه‌ی شیخ احمد و وقایع روی داده	سند ۱۱۸
۴۲۱	۱۳۱۱/۲/۲۲ 1932/5/12	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: زمینه‌سازی برای مذاکرات صلح حکومت عراق و کردها به رهبری شیخ احمد بارزان	سند ۱۱۹
۴۲۳	۱۳۱۱/۲/۲۵ 1932/5/15	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: موضوع کمک عشایر پشتدر و جوشن باد به شیخ بارزان: پیگیری صحت و سقم مسالهی کمک رسانی عشایر	سند ۱۲۰
۴۲۵	۱۳۱۱/۲/۲۵ 1932/5/15	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: کمک عشایر پشتدر و جوشن به شیخ احمد	سند ۱۲۱
۴۲۷	۱۳۱۱/۲/۲۵ 1932/5/15	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: مذاکره‌ی کاپیتان هولت و وزیر دفاع عراق با شیخ احمد و انتشار شایعه‌ی سفر احتمالی وی به بغداد برای متارکه‌ی جنگ	سند ۱۲۲
۴۲۹	۱۳۱۱/۲/۲۷ 1932/5/17	قونسولگری شاهنشاهی ایران در بصره: درخواست ابراهیم افندی نماینده‌ی موصل از نخست وزیر عراق جهت توضیح و روشنگری درباره جنگ کردستان	سند ۱۲۳
۴۳۱	۱۳۱۱/۳/۱ 1932/5/22	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: کمک و مساعدت طوایف اعراب به قوای دولتی بر علیه شیخ احمد، تکذیب مساعدت پشتدری‌ها	سند ۱۲۴
۴۳۳	۱۳۱۱/۳/۱ 1932/5/22	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: ارزیابی سفارت ایران: تصمیم دولت برای متارکه‌ی جنگ و آغاز مذاکرات صلح نشانه‌ای از عدم موفقیت دولت عراق است	سند ۱۲۵
۴۳۵	۱۳۱۱/۳/۲ 1932/5/23	قونسولگری شاهنشاهی ایران در بصره: قرار توقف و متارکه‌ی جنگ میان کردها و دولت عراق	سند ۱۲۶
۴۳۷	۱۳۱۱/۳/۵ 1932/5/26	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: تکذیب قتل فارس آقا	سند ۱۲۷
۴۴۱	۱۳۱۱/۳/۷ 1932/5/28	وزارت امور خارجه: درباره‌ی عقب نشینی شیخ احمد به خاک ترکیه، قتل قائم مقام زیبار، اسارت ۲۵ نفر از نیروهای بارزانی	سند ۱۲۸
۴۴۳	۱۳۱۱/۳/۹ 1932/5/30	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: درگیری مجدد میان نیروهای دولت عراق با کردها و سقوط یک هواپیمای نظامی و مرگ سرنشینان آن	سند ۱۲۹

۴۴۵	۱۳۱۱/۳/۱۵ 1932/6/5	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: ادعای دولت عراق مبنی بر پناه بردن شیخ احمد به کوه کوان و عدم تأیید آن از سوی منابع دیگر	سند ۱۳۰
۴۴۷	۱۳۱۱/۳/۱۷ 1932/6/7	وزارت امور خارجه: ملاقات و مذاکره‌ی متصرف موصل و شیخ نوری هرکی با شیخ احمد بارزان و عدم پذیرش شرایط از جانب وی	سند ۱۳۱
۴۴۹	۱۳۱۱/۳/۲۳ 1932/6/13	وزارت امور خارجه: اعلام خبر قصد شیخ احمد برای عقب‌نشینی به خاک ایران از طریق ترکیه و توصیه به جلوگیری از این اقدام احتمالی	سند ۱۳۲
۴۵۱	۱۳۱۱/۳/۲۵ 1932/6/15	قونسولگری شاهنشاهی ایران در بصره: گزارش روزنامه العراق از روند جنگ در کردستان عراق و پیش‌بینی پایان گرفتن آن در اواخر ماه ژوئن و اواسط ژوئیه	سند ۱۳۳
۴۵۳	۱۳۱۱/۳/۲۵ 1932/6/15	وزارت امور خارجه: تقاضای جلوگیری از ورود شیخ احمد بارزان به ایران و دستگیری و تسلیم وی به مامورین عراقی	سند ۱۳۴
۴۵۵	۱۳۱۱/۳/۲۶ 1932/6/16	وزارت جنگ: اعلام تمهیدات وزارت جنگ ایران در صورت ورود شیخ احمد بارزان به خاک ایران	سند ۱۳۵
۴۵۷	۱۳۱۱/۳/۲۹ 1932/6/19	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: تداوم جنگ، تشدید عملیات نظامی دولت علیه کردها، شایعه‌ی پیشنهاد مذاکره‌ی محمد صدیق به دولت عراق	سند ۱۳۶
۴۵۹	۱۳۱۱/۳/۲۹ 1932/6/19	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: خاتمه دادن به فعالیت قشون لوی در عراق	سند ۱۳۷
۴۶۱	۱۳۱۱/۳/۳۱ 1932/6/21	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: ابلاغیه حکومت عراق: پیشروی نیروهای عراقی به سمت کوه شیرین و عقب‌نشینی شیخ احمد	سند ۱۳۸
۴۶۳	۱۳۱۱/۴/۴ 1932/6/25	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: ابلاغیه حکومت عراق: تسلیم شدن شیخ احمد به نیروهای ترکیه	سند ۱۳۹
۴۶۵	۱۳۱۱/۴/۷ 1932/6/28	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: خلع سلاح شیخ احمد و اعزام وی و برادرانش به ادرنه از سوی مقامات ترکیه‌ای	سند ۱۴۰
۴۶۷	۱۳۱۱/۴/۱۱ 1932/7/2	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: مذاکره کنسول ایران و متصرف موصل و اعلام نظر دولت ایران مبنی بر عدم موافقت با تسلیم شیخ احمد	سند ۱۴۱
۴۶۹	۱۳۱۱/۴/۱۱ 1932/7/2	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: در خصوص موضوع تسلیم شیخ احمد به دولت عراق از جانب ترک‌ها	سند ۱۴۲
۴۷۱	۱۳۱۱/۴/۱۶ 1932/7/7	وزارت امور خارجه: اقامت شیخ احمد در ادرنه ترکیه	سند ۱۴۳
۳۷۳	۱۳۱۱/۴/۲۳ 1932/7/14	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: تداوم درگیری‌های پراکنده در کردستان پس از عقب‌نشینی شیخ احمد به ترکیه	سند ۱۴۴
۴۷۵	۱۳۱۱/۴/۳۰ 1932/7/21	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: محاکمه و مصلوب نمودن چهار نفر از همراهان شیخ احمد توسط نیروهای ترک	سند ۱۴۵

۴۷۹	۱۳۱۱/۵/۱۲ 1932/8/3	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: تصمیم شیخ احمد برای پناه بردن به ایران و علت پشیمانی وی	سند ۱۴۶
۴۸۱	۱۳۱۱/۵/۲۳ 1932/8/14	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: استقبال خوب و محبت آمیز دولت ترکیه از شیخ احمد بارزان و در نظر گرفتن محلی برای اقامت وی و اتباعش در شهر وان	سند ۱۴۷
۴۸۳	۱۳۱۱/۶/۸ 1932/8/30	وزارت امور خارجه: فرار شیخ احمد بارزان به ترکیه و استقبال شایان اکراد ترکیه و عراق از ورود ایشان به ترکیه	سند ۱۴۸
۴۸۵	۱۳۱۱/۶/۲۲ 1932/9/13	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: بازگشت دویست خانوار کرد از ترکیه به عراق	سند ۱۴۹
۴۸۷	۱۳۱۱/۶/۳۰ 1932/9/21	وزارت امور خارجه: ترجمه «اعلامیه هوایی هواپیمائی سلطنتی انگلیس در عراق راجع به موضوع قلع و قمع نیروهای شیخ احمد بارزان»	سند ۱۵۰
۴۸۹	۱۳۱۱/۷/۹ 1932/10/1	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: وضعیت شیخ احمد در ترکیه و مکاتبه‌ی وی با دولت عراق	سند ۱۵۱
۴۹۱	۱۳۱۱/۷/۱۷ 1932/10/9	وزارت جنگ / ارکان حرب کل قشون: درباره‌ی اقدامات علی محو پسر عموی شیخ احمد بارزان و همراهان وی در ناحیه‌ی شیروان	سند ۱۵۲
۴۹۳	۱۳۱۱/۷/۲۲ 1932/10/14	وزارت امور خارجه: ناراضیاتی شیخ احمد از وضعیت خود در ترکیه و مکاتبه‌ی وی با دولت عراق جهت اخذ تأمین	سند ۱۵۳
۴۹۵	۱۳۱۱/۸/۱۲ 1932/11/3	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: تحقیق پیرامون اقدامات علی محو؛ عدم تأیید موضوع از سوی متصرف موصل و توضیحات نامبرده	سند ۱۵۴
۴۹۷	۱۳۱۱/۱۰/۲۴ 1933/1/14	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: اختلافات دولت عراق با ترکیه بر سر موضوع اقامت شیخ احمد در این کشور و از سرگیری حملات در نواحی مرزی از سوی نیروهای بارزانی	سند ۱۵۵
۴۹۹	بدون تاریخ	سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: صدور حکم اعدام برای بارزانی‌ها و صورت اسامی آنها	سند ۱۵۶
سال ۱۳۱۲ - 1933			
۵۰۱	۱۳۱۲/۱/۳۰ 1933/4/18	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: گزارش دستگیر شدن طاهر عبدالعزیز کاتب شیخ بارزان	سند ۱۵۷
۵۰۳	۱۳۱۲/۱/۳۰ 1933/4/18	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: پیگیری گزارش دستگیری کاتب شیخ بارزان	سند ۱۵۸
۵۰۵	۱۳۱۲/۲/۱۱ 1933/4/30	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: پیگیری گزارش دستگیری کاتب شیخ بارزان	سند ۱۵۹
۵۰۷	۱۳۱۲/۲/۱۱ 1933/4/30	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: تأیید دستگیری کاتب شیخ احمد و کسب اطلاعات درباره کاتب جعفر سلطان	سند ۱۶۰

۵۰۹	۱۳۱۲/۲/۱۹ 1933/5/8	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: گزارش عفو شیخ احمد بارزان و کسان او	سند ۱۶۱
۵۱۱	۱۳۱۲/۲/۱۹ 1933/5/8	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: گزارش عفو شیخ احمد بارزان و افراد او، میانجیگری ترکیه و مستثنی نمودن خلیل خوشوی از عفو	سند ۱۶۲
۵۱۳	۱۳۱۲/۲/۲۶ 1933/5/15	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: گزارش زد و خورد میان پلیس عراق و افراد بارزانی در ناحیه ی زیبار	سند ۱۶۳
۵۱۵	۱۳۱۲/۲/۲۶ 1933/5/15	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: گزارش زد و خورد میان پلیس عراق و افراد بارزانی در ناحیه ی زیبار	سند ۱۶۴
۵۱۷	۱۳۱۲/۳/۳ 1933/5/24	وزارت امور خارجه : عفو شیخ احمد و نزدیکان وی توسط دولت عراق به دنبال وساطت ترکیه، مستثنی نمودن خلیل خوشوی از عفو حکومتی	سند ۱۶۵
۵۱۹	۱۳۱۲/۳/۱۶ 1933/6/6	روزنامه/البلاغ موصل: همکاری دولت ترکیه و عراق برای اقدام مشترک علیه ملامصطفی بارزانی و نیروهای وی	سند ۱۶۶
۵۲۱	۱۳۱۲/۳/۱۸ 1933/6/7	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: درگیری میان پلیس عراق و افراد ملامصطفی بارزانی، آمدن رئیس نظمیه عراق به موصل و سرکشی او به منطقه کردستان	سند ۱۶۷
۵۲۳	۱۳۱۲/۳/۱۸ 1933/6/7	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: یادآوری پناهندگی یک ساله شیخ احمد در ترکیه، درگیری بارزانی ها با پلیس عراق و ادامه تحرکات مرزی آنها، کشته شدن کمیسری پلیس و نقش خلیل خوشوی	سند ۱۶۸
۵۲۵	۱۳۱۲/۳/۱۸ 1933/6/7	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: عملیات ها و حرکات های جدید افراد بارزانی به فرماندهی ملامصطفی و نظر مقامات عراقی	سند ۱۶۹
۵۲۷	۱۳۱۲/۳/۱۸ 1933/6/7	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: اعتراض و گفت وگوهای غیر رسمی و مواضع دو دولت عراق و ترکیه نسبت به تحرکات مرزی بارزانی ها	سند ۱۷۰
۵۲۹	۱۳۱۲/۳/۱۸ 1933/6/7	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: در خصوص اخبار و شایعات پیرامون تحرکات نظامی در شهر موصل	سند ۱۷۱
۵۳۱	۱۳۱۲/۳/۱۹ 1933/6/8	خبر نشریه/البلاغ موصل: پخش اوراق عفو عمومی به دو زبان عربی و کردی توسط هواپیماهای عراقی در منطقه شورشیان بارزان	سند ۱۷۲
۵۳۳	۱۳۱۲/۳/۲۱ 1933/6/10	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: اعلام تهیه و ارسال گزارش در ارتباط با ملامصطفی بارزانی	سند ۱۷۳
۵۳۵	۱۳۱۲/۳/۲۱ 1933/6/10	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: خبر نشریه/البلاغ در ارتباط با تسلیم شدن ملامصطفی و تکذیب آن از سوی متصرف موصل	سند ۱۷۴
۵۳۷	۱۳۱۲/۳/۲۱ 1933/6/10	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: گزارش البلاغ درباره ی ملامصطفی و خلیل خوشوی و نیروهای بارزانی	سند ۱۷۵

۵۳۹	۱۳۱۲/۳/۲۳ 1933/6/12	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: ارسال ترجمه خبر البلاغ مبنی بر توزیع اوراق عفو عمومی و تحویل شیخ احمد به عراقی‌ها	سند ۱۷۶
۵۴۱	۱۳۱۲/۳/۲۶ 1933/6/15	خبر نشریه البلاغ موصل: پایان شورش در بارزان	سند ۱۷۷
۵۴۳	۱۳۱۲/۳/۳۰ 1933/6/19	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: اعلام ارسال خبر نشریه البلاغ موصل درباره تسلیم شدن ملامصطفی	سند ۱۷۸
۵۴۵	۱۳۱۲/۳/۳۰ 1933/6/19	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: در خصوص خبر تسلیم شدن ملامصطفی بارزانی	سند ۱۷۹
۵۴۷	۱۳۱۲/۴/۲ 1933/6/23	ترجمه خبر نشریه البلاغ موصل: شرح خبر تسلیم شدن بارزانی‌ها	سند ۱۸۰
۵۴۹	۱۳۱۲/۴/۵ 1933/6/25	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: اعلام ارسال خبر نشریه البلاغ موصل درباره تسلیم شدن بارزانی‌ها	سند ۱۸۱
۵۵۱	۱۳۱۲/۵/۳ 1933/7/24	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: تحویل شیخ احمد به دولت عراق از سوی ترک‌ها، اعزام وی به موصل و بغداد	سند ۱۸۲
۵۵۳	۱۳۱۲/۵/۳ 1933/7/24	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: گزارش تحویل دادن شیخ احمد بارزان و اعزام مشارالیه به بغداد	سند ۱۸۳
۵۵۵	۱۳۱۲/۵/۴ 1933/7/25	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: شرح گزارش اقدامات و سیاست دولت عراق در قبال بارزانی‌ها؛ عفو، تبعید و پراکنده ساختن سران و رهبران بارزان در عراق	سند ۱۸۴
۵۵۷	۱۳۱۲/۵/۸ 1933/7/30	وزارت امور خارجه: درخواست تحقیق پیرامون چگونگی ورود شیخ احمد به عراق	سند ۱۸۵
۵۵۹	۱۳۱۲/۵/۹ 1933/7/30	قونسولگری شاهنشاهی ایران / بغداد: استرداد شیخ احمد از جانب ترکیه و اقامت او در بغداد	سند ۱۸۶
۵۶۱	۱۳۱۲/۵/۹ 1933/7/30	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: درخواست تحقیق پیرامون نحوه استرداد شیخ احمد بارزان	سند ۱۸۷
۵۶۳	۱۳۱۲/۵/۱۱ 1933/8/1	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: اقامت شیخ احمد در بغداد، درخواست عده‌ای از اهالی شمال برای انتقال او به مناطق شمالی و موافقت دولت عراق	سند ۱۸۸
۵۶۵	۱۳۱۲/۵/۱۶ 1933/8/6	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: اعلام خبر ملاقات شیخ احمد با ملک فیصل و حرکت او به سمت موصل	سند ۱۸۹
۵۶۷	۱۳۱۲/۵/۲۹ 1933/8/20	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: مراجعت دادن شیخ احمد به موصل و اقامت احتمالی وی در این شهر	سند ۱۹۰
۵۶۹	۱۳۱۲/۶/۷ 1933/8/29	وزارت امور خارجه: ورود شیخ احمد به موصل و تعیین مقرری برای وی	سند ۱۹۱

۵۷۱	۱۳۱۲/۶/۹ 1933/10/1	وزارت امور خارجه: پاسخ به درخواست تحقیق پیرامون چگونگی ورود شیخ احمد به عراق	سند ۱۹۲
۵۷۳	۱۳۱۲/۸/۲ 1933/10/24	ترجمه مقالات نشریه <i>البلاغ</i> موصل درباره شیخ احمد	سند ۱۹۳
۵۷۵	۱۳۱۲/۸/۲ 1933/10/24	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: اعلام ارسال خبر جدید <i>البلاغ</i> در ارتباط با شیخ احمد بارزان	سند ۱۹۴
۵۷۷	۱۳۱۲/۸/۱۱ 1933/11/1	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: اقامت شیخ احمد در موصل و نشست او با روسای کرد در اداره متصرفی	سند ۱۹۵
۵۷۹	۱۳۱۲/۸/۱۲ 1933/11/3	ترجمه خبر نشریه <i>البلاغ</i> موصل: خبر ورود روسای زیباری به موصل و ملاقات آنها با شیخ احمد بارزان	سند ۱۹۶
۵۸۱	۱۳۱۲/۸/۱۷ 1933/11/8	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در موصل: بازگشت شیخ احمد به بارزان	سند ۱۹۷
۵۸۳	۱۳۱۲/۹/۲ 1933/11/22	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران / موصل: عودت شیخ احمد از بارزان به موصل	سند ۱۹۸
سال ۱۳۱۸ - 1939			
۵۸۵	۱۳۱۸/۵/۸ 1939/7/31	وزارت امور خارجه ایران: راجع به استقلال کردها و اظهار مخالفت وزیر خارجه عراق و رد هرگونه استقلال طلبی از جانب کردها و سیاست دولت متبوعش که به سیاست دولت ایران و عثمانی مانند است	سند ۱۹۹
سال ۱۳۲۰ - 1941			
۵۹۳	۱۳۲۰/۶/۲۲ 1941/9/12	وزارت جنگ ایران: موضوع سقوط نوسود توسط نیروهای جعفر سلطان	سند ۲۰۰
سال ۱۳۲۲ - 1943 و 1944			
۵۹۵	۱۳۲۲/۸/۷ 1943/10/30	وزارت امور خارجه / دفتر نخست وزیر: فرار ملامصطفی بارزانی و شیخ احمد از دست مأمورین عراق و خلع سلاح شهربانی توسط ملامصطفی بارزانی	سند ۲۰۱
۵۹۹	۱۳۲۲/۸/۸ 1943/10/31	وزارت امور خارجه: نگرانی ایران از خواست استقلال طلبی کردها و اطمینان عراق جهت همکاری با منافع مشترک در کشور و همچنین قیام شیخ احمد و ملامصطفی بارزانی در کردستان	سند ۲۰۲
۶۰۱	۱۳۲۲/۸/۱۷ 1943/11/9	وزارت امور خارجه / دفتر نخست وزیر: گزارشی راجع به تشکیل جمعیت از کردها و زمزمه‌ی استقلال آنها و درخواست دولت ایران برای جلوگیری از این تحركات	سند ۲۰۳
۶۰۳	۱۳۲۲/۹/۶ 1943/11/28	وزارت امور خارجه / دفتر نخست وزیر: گزارش در مورد ملامصطفی بارزانی و برادر او شیخ احمد که در حدود ایران مستقر شده و با دولت عراق در جنگ هستند	سند ۲۰۴

۶۰۵	۱۳۲۲/۹/۲۶ 1943/12/18	وزارت امور خارجه / دفتر نخست وزیر: ادامه شورش شیخ احمد و ملامصطفی بارزانی و ناتوانی عراق از موفقیت در برابر آنها	سند ۲۰۵
۶۰۷	۱۳۲۲/۱۰/۱۰ 1944/1/1	وزارت کشور / استان چهارم: گزارش فرار بارزانی از دست انگلیس و مشروع مبارزه آنها علیه دولت عراق و همچنین پیوستن عشایر به شورش بارزان	سند ۲۰۶
۶۰۹	۱۳۲۲/۱۰/۱۴ 1944/1/5	وزارت کشور / استان چهارم: رونوشت بخشدار سلدوز درباره بارزانی‌ها	سند ۲۰۷
۶۱۳	۱۳۲۲/۱۲/۱۱ 1944/3/2	وزارت امور خارجه / دفتر نخست وزیر: گزارش ارسال نیرو برای سرکوب شورش بارزان و ادعای آقای هولت رایزن سفارت انگلیس که بدرفتاری دولت عراق سبب شورش بارزانی‌ها شده است	سند ۲۰۸
سال ۱۳۲۳ - 1944			
۶۱۵	۱۳۲۳/۱/۸ 1944/3/28	وزارت کشور / اداره انتظامات: گزارشی از شیخ بارزان و شروع شورش او و همچنین همکاری دیگر سران عشایر با شورش بارزان	سند ۲۰۹
۶۱۷	۱۳۲۳/۱/۱۴ 1944/4/3	وزارت امور خارجه / اداره رمز: اخبار حاکی از استقلال کردها در عراق و توجه ایران به تحرکات کردها در ایران و درخواست قوا	سند ۲۱۰
۶۱۹	۱۳۲۳/۱/۱۹ 1944/4/8	وزارت کشور: گزارش سفارت ایران راجع به تسلیم شدن بارزانی و اطاعت از حکومت مرکزی	سند ۲۱۱
۶۲۱	۱۳۲۳/۱/۳۱ 1944/4/20	وزارت امور خارجه / اداره رمز: گزارشی از استقلال کردها در بین‌النهرین و جنبش عشایر کردستانی و مه‌آباد و توجه به آنها و اعزام نیرو به آن خطه	سند ۲۱۲
۶۲۵	۱۳۲۳/۲/۵ 1944/4/25	وزارت امور خارجه: به علت شورش بارزانی و شکست‌های پی‌درپی دولت مرکزی شرایط و خواسته‌های بارزانی را پذیرفته و شورش و ناآرامی از جانب بارزانی به پایان رسیده است	سند ۲۱۳
۶۲۷	۱۳۲۳/۲/۱۴ 1944/5/4	وزارت امور خارجه / دفتر نخست وزیر: عدم رضایت کردها با وجود آزادی مختصر که دولت عراق برای آنها روا داشته است و همچنین بدبینی به دولت ترکیه به این دلیل که هیچگونه همخوانی به این دو نژاد ندارند و درخواست توجه دولت شاهنشاهی ایران به اکراد که نظر مثبت به ایران دارند	سند ۲۱۴
۶۲۹	۱۳۲۳/۲/۱۴ 1944/5/4	وزارت امور خارجه / اداره دفتر محرمانه: گزارش به دولت مرکزی عراق راجع به اطاعت ملامصطفی بارزانی	سند ۲۱۵
۶۳۱	۱۳۲۳/۴/۱۷ 1944/7/8	وزارت امور خارجه / اداره دفتر محرمانه: رسید گزارشی در رابطه با ملامصطفی بارزانی که به سفارت شاهنشاهی در بغداد ارسال شده است	سند ۲۱۶
۶۳۳	۱۳۲۳/۵/۵ 1944/7/27	وزارت امور خارجه / اداره دفتر محرمانه: گزارش سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد در رابطه با ملامصطفی بارزانی	سند ۲۱۷
۶۳۵	۱۳۲۳/۶/۶ 1944/8/28	دفتر نخست وزیر: گزارشی جهت بررسی اوضاع کردهای عراق و مردم اهل سنت در مرزهای ایران	سند ۲۱۸

۶۳۷	۱۳۲۳/۶/۲۰ 1944/9/11	وزارت جنگ / ستاد ارتش: درخواست ترجمه نطق محمود صبحی دفتری در رابطه با ملامصطفی بارزانی	سند ۲۱۹
۶۴۳	۱۳۲۳/۷/۱ 1944/9/23	وزارت جنگ: ترجمه نطق محمود صبحی دفتری راجع به بارزانی‌ها، وضع معیشت آنها و رفتار رجال سیاسی عراق با آنها	سند ۲۲۰
۶۴۹	۱۳۲۳/۹/۱۶ 1944/12/7	وزارت امور خارجه: موضوع برگزاری تظاهرات علیه دولت ایران در کردستان عراق، وضعیت کردهای عراق و کردستان ایران، ضرورت توجه به وضعیت کردستان	سند ۲۲۱
سال ۱۳۲۴ - 1945			
۶۵۳	۱۳۲۴/۷/۲۸ 1945/10/20	وزارت کشور / اداره انتظامات: گزارش مفصل در مورد ورود بارزانی به خاک ایران و درخواست برای جلوگیری از آنها و همچنین شرح وضعیت نابسامان آنها. در این میان ژاندارمری درخواست کرده است که ارتش در تداخل آنها به ایران مداخله کند	سند ۲۲۲
۶۵۷	۱۳۲۴/۸/۱۴ 1945/11/5	سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: شرحی از ورود نایب السلطنه عراق به موصل و استقبال رؤسا و رجال بنام از ایشان و همچنین دادن نشان لیاقت به افسران درگیر با جنگ بارزانی و همچنین اهدای هدایا به رؤسای عشایر که علیه بارزانی‌ها جنگیده بودند	سند ۲۲۳
۶۵۹	۱۳۲۴/۹/۲۶ 1945/12/17	وزارت جنگ / ستاد ارتش: ورود بارزانی به خاک ایران و مشخص شدن تعداد نفرات و افراد مسلح و سلاح‌هایی که در دست دارند	سند ۲۲۴
سال ۱۳۲۵ - 1946 و 1947			
۶۶۳	۱۳۲۵/۴/۶ 1946/6/27	وزارت کشور / فرمانداری سنندج: خبر کوتاه ملاقات رزم آرا و قاضی محمد، فعالیت نیروهای بارزانی و حمه‌رشیدخان در محور جاده‌های سقز و بانه	سند ۲۲۵
۶۶۵	۱۳۲۵/۵/۳ 1946/7/25	وزارت کشور: حمایت عشایر ولدبیگی، قبادی و باباجانی در منطقه‌ی کرمانشاه و دعوت از روسای منطقه برای حمایت از حزب کومله در مهاباد	سند ۲۲۶
۶۶۷	۱۳۲۵/۷/۱ 1946/9/23	وزارت کشور / فرمانداری سنندج: گزارش ورود شیخ احمد به بوکان و بازگشت ملامصطفی از تبریز	سند ۲۲۷
۶۶۹	۱۳۲۵/۷/۳۰ 1946/10/22	وزارت کشور: اعلام ارسال گزارش فرمانداری سنندج درباره شیخ احمد بارزان	سند ۲۲۸
۶۷۱	۱۳۲۵/۱۰/۱۲ 1947/1/2	اداره فرهنگ استان چهارم: شکایت از اقامت گروهی از بارزانی‌ها در ساختمان مدرسه پهلوی در اشنویه	سند ۲۲۹
۶۷۷	۱۳۲۵/۱۰/۲۱ 1947/1/11	وزارت امور خارجه / قونسولگری شاهنشاهی در سلیمانیه: در خصوص وضعیت سیاسی کردستان عراق	سند ۲۳۰
۶۷۹	۱۳۲۵/۱۰/۳۰ 1947/1/20	وزارت دارایی: نامه وزارت دارایی به نخست وزیری درباره اسکان و تصمیم‌گیری درباره‌ی تامین هزینه‌های ایل بارزانی	سند ۲۳۱

سال ۱۳۲۶ - ۱۹۴۷

- ۶۸۱ ۱۳۲۶/۱/۱۸
۱۹۴۷/۴/۸
سفارت شاهنشاهی ایران / وزارت امور خارجه: نامه سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد به وزارت امور خارجه در خصوص گزارش روزنامه صوت / السیاسه چاپ بغداد در مورد تقاضای عفو بارزانی‌ها سند ۲۳۲
- ۶۸۳ ۱۳۲۶/۲
۱۹۴۷/۴
وزارت امور خارجه: موضوع رویارویی نیروهای عراقی و ملامصطفی بارزانی و مسالهی تسلیم بارزانی‌ها سند ۲۳۳
- ۶۸۵ ۱۳۲۶/۳/۹
۱۹۴۷/۵/۳۱
ستاد نیرو و لشکر ۲: دومین گزارش ستاد نیرو و لشکر ۴ رضائیه در خصوص عبور ملامصطفی بارزانی از مهاباد تا کرانه‌های رود آراس سند ۲۳۴

سال ۱۳۲۷ - ۱۹۴۸

- ۶۸۷ ۱۳۲۷/۸/۱۸
۱۹۴۸/۱۱/۹
سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: سوال محمد زیاد نماینده اربیل در مجلس عراق از نخست وزیر پیرامون وضعیت بارزانی‌ها سند ۲۳۵
- ۶۸۹ ۱۳۲۷/۱۰/۵
۱۹۴۸/۱۲/۲۶
سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد: تشکیل کمیسیون برای رسیدگی به وضع بارزانی‌ها و تصمیمات اتخاذ شده سند ۲۳۶

سال ۱۳۳۰ - ۱۹۵۱

- ۶۹۱ ۱۳۳۰/۲/۲۴
۱۹۵۱/۴/۲۳
سفارت کبرای شاهنشاهی ایران / بغداد: گزارش فرار شیخ احمد از زندان موصل با کمک انگلیسی‌ها سند ۲۳۷
- ۳۹۳ ۱۳۳۰/۳/۱
۱۹۵۱/۵/۲۳
قونسولگری شاهنشاهی ایران / سلیمانیه و کرکوک: تکذیب فرار شیخ احمد بارزان سند ۲۳۸

سال ۱۳۳۱ - ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳

- ۶۹۵ ۱۳۳۱/۸/۲۶
۱۹۵۲/۱۱/۱۶
سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: خبر بخشودگی شیخ احمد بارزان از سوی دولت عراق سند ۲۳۹
- ۶۹۷ ۱۳۳۱/۸/۲۸
۱۹۵۲/۱۱/۱۸
سفارت شاهنشاهی ایران / بغداد: درخواست بررسی صحت و سقم خبر بخشودگی شیخ احمد بارزان از سوی دولت عراق سند ۲۴۰
- ۶۹۹ ۱۳۳۱/۹/۱۱
۱۹۵۲/۱۲/۲
قونسولگری ایران / سلیمانیه، اربیل و کرکوک: بخشودگی شیخ احمد بارزان از سوی دولت عراق و قائم مقام قلعه دیزه مورد تردید و تا حدی تکذیب واقع شده و هنوز صحت و سقم آن مشخص نشده است و علت تکذیب و تردید هم آن است که جراید خبری از آزادی او را منتشر نکرده‌اند سند ۲۴۱
- ۷۰۱ ۱۳۳۱/۹/۱۲
۱۹۵۲/۱۲/۳
قونسولگری شاهنشاهی ایران / سلیمانیه، اربیل و کرکوک: تأیید و تکذیب بخشودگی شیخ احمد بارزان سند ۲۴۲
- ۷۰۳ ۱۳۳۱/۹/۲۳
۱۹۵۲/۱۲/۱۴
قونسولگری ایران / سلیمانیه، اربیل و کرکوک: شرح حال کوتاه درباره ایل بارزان و موقعیت جغرافیای منطقه بارزان. طغیان ملامصطفی بارزانی و درگیری با ارتش عراق و فرار او و کوچاندن ایل بارزان از زادبوم خود به جنوب عراق و همچنین وضع نابسامان زندگی و معیشتی آنها و در آخر کمک اندک دولت به وضع ناگوارشان سند ۲۴۳

۷۰۵	۱۳۳۱/۱۲/۱۷ 1953/3/8	قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران: گزارش جریده <i>البلاغ</i> در مورد تحریکات و زدوخورد قوای شیخ بارزان با قوای دولتی و کشته شدن صاحب منصب و کسان دیگر	سند ۲۴۴
سال ۱۳۳۳ - 1954			
۷۰۷	۱۳۳۳/۱/۱۷ 1954/4/6	وزارت کشور: گزارش موقعیت محل اقامت بارزانی‌ها در مخمور اربیل	سند ۲۴۵
۷۰۹	۱۳۳۳/۲/۲۷ 1954/5/17	وزارت کشور / استانداری آذربایجان: پاسخ به درخواست بررسی مساله اسکان بارزانی‌ها	سند ۲۴۶
۷۱۱	۱۳۳۳/۹/۲۳ 1954/12/14	سفارت کبرای شاهنشاهی ایران بغداد: لایحه قانونی اعاده اموال غیرمنقول در مجلس شورای ملی عراق در ارتباط با بارزانی‌ها	سند ۲۴۷
سال ۱۳۳۷ - 1959 و 1958			
۷۱۵	بدون تاریخ	نخست وزیر / سازمان اطلاعات و امنیت کشور: بیوگرافی ملامصطفی بارزانی	سند ۲۴۸
۷۱۷	۱۳۳۷/۵/۱۱ 1958/8/2	وزارت کشور / استانداری کردستان: درباره‌ی آزادی شیخ لطیف و اقامت شیخ احمد در بغداد	سند ۲۴۹
۷۱۹	۱۳۳۷/۵/۱۲ 1958/8/3	وزارت کشور / شهربانی کل کشور: آزادی شیخ احمد بارزان	سند ۲۵۰
۷۲۱	۱۳۳۷/۵/۲۶ 1958/8/17	وزارت کشور / شهربانی کل کشور: حضور ملامصطفی بارزانی در سوریه، آزادی شیخ احمد، ورود اسلحه قاچاق به ایران	سند ۲۵۱
۷۲۳	۱۳۳۷/۵/۲۶ 1958/8/17	وزارت امور خارجه / وزارت جنگ: آزادی محمد رشید قادر خانزاد و شیخ لطیف	سند ۲۵۲
۷۲۵	۱۳۳۷/۵/۳۰ 1958/8/21	وزارت کشور / ژاندارمری کل کشور: درباره شیخ لطیف و خاندان شیخ محمود و نفوذ آنها در کردستان	سند ۲۵۳
۷۲۹	۱۳۳۷/۵ 1958/8	وزارت کشور / استانداری آذربایجان: آمدن ملامصطفی به عراق تایید نشده است و ...	سند ۲۵۴
۷۳۱	۱۳۳۷/۶/۲ 1958/8/24	وزارت کشور / استانداری کردستان: آزادی زندانیان در عراق؛ آزادی شیخ احمد بارزان و شیخ لطیف، حضور ملامصطفی بارزانی در سوریه	سند ۲۵۵
۷۳۳	۱۳۳۷/۶/۱۲ 1958/9/3	وزارت کشور / استانداری آذربایجان: گزارش بازگشت شیخ احمد به کردستان، تکذیب شایعه ارتباط ملامصطفی بارزانی با کردهای ایران، تحریک رادیو بغداد به قیام کردهای ایران	سند ۲۵۶
۷۳۵	۱۳۳۷/۶/۱۲ 1958/9/3	وزارت کشور / اداره شهربانی کل کشور: توزیع عکس ملامصطفی بارزانی در عراق و دستور جلوگیری از ورود اوراق تبلیغی به کردستان ایران	سند ۲۵۷

۷۳۷	۱۳۳۷/۶/۱۶ 1958/9/7	وزارت کشور: اوضاع داخلی عراق پس از کودتا؛ موضوع تقسیم اسلحه، روابط دولت و عشایر، سفر عارف به شهرهای عراق	سند ۲۵۸
۷۳۹	۱۳۳۷/۶/۱۸ 1958/9/9	وزارت کشور / شهربانی کل کشور: آزادی و اقامت محمد رشید خان پناه‌ای در سلیمانیه، نطق شیخ احمد بارزان در رادیو بغداد، تسهیل بازگشت بارزانی به بغداد	سند ۲۵۹
۷۴۱	۱۳۳۷/۶/۱۹ 1958/9/10	وزارت کشور / ژاندارمری کل کشور: بازگشت شیخ احمد بارزان به میان ایل بارزان	سند ۲۶۰
۷۴۳	۱۳۳۷/۶/۲۰ 1958/9/11	وزارت کشور / استانداری آذربایجان: آزادی شیخ احمد بارزان، کمک مالی دولت عراق به وی و رفع اختلاف بین وی و دو تن از روسای کرد	سند ۲۶۱
۷۴۷	۱۳۳۷/۶/۲۰ 1958/9/11	وزارت امور خارجه / سرقونسولگری ایران / دمشق: رد خبر اقامت ملامصطفی بارزانی در «رقه»ی سوریه	سند ۲۶۲
۷۴۹	۱۳۳۷/۶/۳۱ 1958/9/22	وزارت کشور / شهربانی کل کشور: گزارش درباره‌ی اطلاعات دریافتی از حضور و اظهارات یک فرماندار عراقی در شهر اشنویه پس از کودتای عراق	سند ۲۶۳
۷۵۱	۱۳۳۷/۷/۵ 1958/9/27	وزارت کشور / اداره سیاسی: درباره‌ی آزادی شیخ احمد بارزان	سند ۲۶۴
۷۵۳	۱۳۳۷/۷/۱۷ 1958/10/9	وزارت کشور / شهربانی کل کشور / شهربانی آذربایجان: درباره‌ی موافقت قاسم با بازگشت بارزانی به عراق و دستور به ماموران ایرانی جهت مراقبت دقیق و اقدامات لازم و کسب اطلاع درباره تاریخ معاودت، محل اقامت و...	سند ۲۶۵
۷۵۵	۱۳۳۷/۷/۱۷ 1958/10/9	وزارت کشور / شهربانی کل کشور / شهربانی آذربایجان: نامه‌ی شیخ احمد به روسای عشایر و کردهای ایران به منظور تشکیل کردستان آزاد و درخواست تحقیق پیرامون خبر	سند ۲۶۶
۷۵۷	۱۳۳۷/۷/۳۰ 1958/10/22	وزارت کشور / شهربانی کل کشور / شهربانی تبریز: نامه‌ی شیخ احمد به روسای عشایر و کردهای ایران به منظور تشکیل کردستان آزاد و درخواست تحقیق پیرامون خبر	سند ۲۶۷
۷۵۹	۱۳۳۷/۸/۱۸ 1958/11/9	ساواک: حضور برادرزاده‌ی ملامصطفی بارزانی در سلیمانیه، قلاذری و نوردین و دعوت از مردم برای همکاری با دولت جدید	سند ۲۶۸
۷۶۱	۱۳۳۷/۸/۲۱ 1958/11/12	وزارت کشور / استانداری آذربایجان غربی: دیدار بارزانی و شیخ احمد، تماس با عشایر ایرانی، دیدار بارزانی و شیخ لطیف و استقبال مردم سلیمانیه از وی، زخمی شدن بارزانی در کرکوک و...	سند ۲۶۹
۷۶۵	۱۳۳۷/۸/۲۵ 1958/11/16	وزارت کشور / استانداری آذربایجان غربی: بازگشت بارزانی به عراق، دیدار بارزانی و شیخ احمد و اظهارات بارزانی درباره‌ی افراد همراه وی در شوروی	سند ۲۷۰
۷۶۹	۱۳۳۷/۸/۲۵ 1958/11/16	وزارت کشور / استانداری آذربایجان غربی: ورود بارزانی به عراق، دیدار بارزانی و شیخ احمد و اظهارات بارزانی درباره‌ی افراد همراه وی در شوروی	سند ۲۷۱
۷۷۱	۱۳۳۷/۸/۲۵ 1958/11/16	وزارت کشور / ژاندارمری کل کشور: رفتن تعدادی از کردهای ایرانی به نزد شیخ احمد بارزان	سند ۲۷۲

۷۷۳	۱۳۳۷/۸/۲۹ 1958/11/20	وزارت کشور / ژاندارمری کل کشور: دیدار بارزانی و شیخ احمد، تماس با عشایر ایرانی، دیدار بارزانی و شیخ لطیف و استقبال مردم سلیمانیه از وی، زخمی شدن بارزانی در کرکوک	سند ۲۷۳
۷۷۵	۱۳۳۷/۹/۶ 1958/11/27	وزارت کشور / شهربانی کل کشور: گزارش رفتن ملامصطفی بارزانی به عراق و پیشواری دانش آموزان از وی و دیدار با عبدالکریم قاسم	سند ۲۷۴
۷۷۷	۱۳۳۷/۹/۹ 1958/11/30	وزارت کشور: اعلام ارسال گزارش درباره‌ی ملامصطفی و شیخ احمد	سند ۲۷۵
۷۷۹	۱۳۳۷/۹/۱۲ 1958/12/3	ساواک: طرفداری طایفه‌ی احمدی بانه از شیخ لطیف، تآثر مردم بانه از قتل فیصل، نفوذ شیخ لطیف در سلیمانیه و بارزانی در بارزان و اقدام متقابل دولت عراق در تقویت مخالفان	سند ۲۷۶
۷۸۱	۱۳۳۷/۹/۱۶ 1958/12/7	ساواک: اوضاع کلی عراق، دستور شیخ احمد برای آموزش سربازی افراد بارزانی	سند ۲۷۷
۷۸۷	۱۳۳۷/۹/۲۱ 1958/12/12	وزارت کشور / اداره سیاسی: درباره‌ی فعالیت‌ها در کردستان عراق؛ محمد رشید، شیخ لطیف و ملامصطفی	سند ۲۷۸
۷۸۹	۱۳۳۷/۱۱/۲۰ 1959/2/9	ساواک: عزیمت شیخ لطیف به بارزان و دیدار او با سران عشایر در سلیمانیه	سند ۲۷۹
۷۹۱	۱۳۳۷/۱۲ 1959/3	نخست وزیر: شرح اوضاع حزب دمکرات کردستان و شرح مختصر از اوضاع کردستان	سند ۲۸۰
۷۹۲		روایتی از تاریخ در آینه نقشه‌ها، مطبوعات و تصاویر	
۷۹۵		نقشه‌ها	
۸۰۹		مطبوعات	
۸۶۵		تصاویر	
۹۴۷		فهرست اشخاص	
۹۵۱		فهرست اماکن	
۹۵۵		فهرست جراید، رسانه‌ها، طوایف و احزاب	

بارزان

کانون جنبش رهایی بخش کردستان عراق

شیخ احمد بارزان

ناسیونالیسم ساری و جاری در کردستان بوده است. بارزان میدان قیام است و جغرافیای فراخ سیاست، قیام‌های پی‌درپی، بر خاک افتادن‌ها و بر دار شدن‌ها و دوباره برخاستن‌ها، نشان به قیام شیخ عبدالسلام و بر دار شدنش، طلوع شیخ احمد از غروبگاه اعدام برادر و افول غمگناهی‌اش، قیام تاریخی ملامصطفی از بارزان، شکفتن در مهاباد، حماسه‌سازی در ارس، بازگشت سرفرازانه به بارزان، ایستادن در برابر نفی هویت و نفی سرزمین، تن سپردن به تبعید، مرگ غریبانه در غربت و آرام گرفتن در بارزان. نشان به تاریخ معاصرش، به ادريس و سودای متحد کردن کردهایش و به مسعود که بارزان و بارزانی را تاثیرگذارترین نام در ساخت قدرت در عراق و تحولات خاورمیانه‌ی امروز نمود. بارزان جای شگرفی است، پازلی است که اگر قطعات رنگارنگ آن را عالمانه و هوشیارانه کنار هم قرار دهیم، اگر به دور از حب و بغض قومی و قبیله‌ای به آن بنگریم و اگر به دور از منازعات حزبی و منافع شخصی آن را به داوری بنشینیم، بی‌شک بخش بزرگی از سنت مبارزاتی کردها در ۲۰۰ ساله‌ی اخیر به آشکاری چهره خواهد نمود، چهره‌ای که بی‌شک پرتو افشان بر بخش بسیار مهمی از تاریخ کرد و کردستان خواهد بود. تاریخی که بر خلاف تعاریف و پژوهش‌های جاری در حوزه طریقت و جریان‌های عرفانی که مترادف با عزلت‌گزینی و رهبانیت بوده، در بارزان، عرفان خاستگاه اصلی مبارزه، هویت‌طلبی و جنبش‌های کردی بوده است.

بارزان، ناحیه‌ای محدود و محصور است در میان کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی کردستان، در منتهی‌الیه مرزهای شمالی کشور عراق. این ناحیه صعب‌العبور از شمال به خاک ترکیه، از شرق به ایران، از جنوب به عقره و از مغرب به عمادیه و منطقه دهوک محدود است. بارزان، ناحیه‌ای محدود و محصور است در آغوش کوه‌های سربه فلک کشیده‌ی «شیرین»، ناحیه‌ای کوچک با سبزه‌زارانی سیراب از برکت هزاران چشمه که بی‌دریغ به دامان همسایه‌ی کهنسالشان زاب بزرگ می‌ریزند تا این رود برآمده از صمیم تاریخ کردستان بزرگوارانه هر بامداد با نوای «حیران» و «لاوک» افسانه‌های شگرف را نجوا کند. بارزان، ناحیه‌ای در ظاهر کوچک است، اما بزرگ به وسعت تاریخ پر فراز و نشیب کردستان. بارزان آوردگاه عجیبی است، چهار راهی برای تلاقی اصالت، عرفان، سیاست و قیام‌های پی‌درپی، جغرافیایی کوچک که تند بادهای تغییر در طی قرون و اعصار هرچند تاثیر شگرفی بر شیوه تولید و حیات مردمان این سرزمین نهاده است اما اصالت ذاتی مبتنی بر فرهنگ و تمدن کردی را هرگز نتوانسته از این ناحیه بزداید. ناحیه‌ای که نوای عارفانه عرفای بنام هرگز از آن رخت نیست و نیست است. نزاری، بروژی، مزوری، شیروانی و دوله‌م‌ری‌هایی که در اوج بزم عارفانه‌شان همواره نگاهی عاشقانه به کردستان و تاریخ آن داشته‌اند. نگاه عاشقانه‌ای که عرفان و نحله‌های عرفانی را عین جنبش‌های مدنی و مبارزاتی نموده است تا جایی که که گزافه نیست اگر ادعا شود عرفان ساری و جاری در بارزان آیین‌های تمام‌نمای

طریقت نقشبندی و مشخصاً افکار، عقاید، منش و کنش مولانا خالد نقشبندی تأثیرگذارترین نحله و جریان مبتنی بر عرفان و طریقت در مناطق گردنشین بوده است، جریانی که بیش از دو قرن در سایه تفکرات اسلامی در بخش‌هایی از ایران، عثمانی و شمال آفریقا پیروان بسیاری را گرد هم آورد. در کردستان نیز دو خاندان نهری و بارزانی مطرح‌ترین خاندان‌های پیرو طریقت نقشبندی بودند که از میان آنان شخصیت‌ها و مشایخ بنامی برخاستند، مشایخی که در کنار اشاعه‌ی آموزه‌های عرفانی، مبارزات حق‌طلبانه‌ی کردها را رهبری کردند.

مبالغه نیست اگر بگوییم فقیهان و مشایخ بارزان در این مسیر توانستند با هوشیاری و البته استواری قابل ستایش در گذاری تدریجی تصوف و طریقت را به بارزترین شکل ممکن با مبارزات کردهای خاورمیانه عجین کنند. آنان در پروسه‌ای نه چندان طولانی و با تکیه بر اندیشه‌های نوین و نگاه به تصوف و طریقت جاری و ساری در کردستان در تعاملی تنگاتنگ و تساهلی مقتدرانه با تشکلهای مدرن کردی و رهبران آشوریان و ارمینیان کردستان نقطه عطفی در تاریخ جنبش بارزان به وجود آوردند، نقطه عطفی که توانست بیش از یک قرن بارزان و بارزانی‌ها را در صدر تحولات سیاسی و مذهبی کردها با هر دین و مذهبی در مبارزه با حکام عثمانی، بریتانیا، ترکیه‌ی نوین و عراق تازه تأسیس قرار دهد. این گفتمان توانست حجره‌ها، خانقاه‌ها و تکایای کردستان را به مراکزی راهبردی برای ظهور و بروز اندیشه‌های عارفانه و محافلی برای تبیین تفکرات مبارزاتی مبتنی بر ملی‌گرایی برای کردها تبدیل کند.

مدارس علوم دینی بارزان در کنار خانقاه و مسجد تاریخی آن نمادی از حکمت و حسن سلوک فقیهان و مشایخ بارزان بود و همین رویه توانست در بیش از یک قرن نه تنها بعنوان ملجائی برای حکمیت همگانی در نظر گرفته شود بلکه مواجی باشد برای مبارزات حق‌طلبانه و بسط عدالت اجتماعی تا جایی که در کمترین زمان ممکن مشایخ بارزان دامنه نفوذ خود را از شم‌دینان تا اورامان گسترش دادند.

رهبران بارزان با تحلیل عقلانی از سه عنصر مهم دین، طریقت و ایل در فرایندی تاریخی با عبور از فضای سنتی، مبارزات مردمان کرد را با تکیه بر ضرورت‌های تاریخی وارد فضایی مدرن و امروزی کردند چنان که در سال ۱۳۲۴/۱۹۴۵ با تأسیس اولین حزب مدرن کردی یعنی پارت دمکرات کردستان گامی مهم در جهت همبستگی ملی و مهیا کردن مجالی برای ورود به جهان مدرن و نسبت آن با تحولات خاورمیانه برداشتند.

بی‌گمان سیر حوادث تاریخی و تصمیم‌گیری‌های رهبران بنام طریقت نقشبندی در این تحولات بی‌تأثیر نبوده است. شیخ عبیدالله نهری شیخ بزرگ کردستان چند سال قبل از فوت، مریدانش را به شیخ تاج‌الدین بارزان و فرزندش سید طه نهری سپرد تا این مسئولیت معنوی را در منطقه کردستان عهده‌دار شوند. این مسئولیت را شیخ تاج‌الدین بارزان و فرزندش شیخ عبدالرحمن و نوه‌اش شیخ عبدالله بارزان در منطقه در مسیر سیر و سلوک دینی و عرفانی تداوم بخشیدند. سفر تاریخی مولانا خالد نقشبندی بنیان‌گذار طریقت نقشبندی در کردستان به بارزان تحولی بزرگ را به همراه داشت. انتصاب شیخ عبدالسلام فرزند شیخ عبدالله بارزان به عنوان خلیفه‌ی

مولانا خالد و سپس همراهی کردن ایشان برای زیارت سید طه نهری در شم‌دینان موجب گسترش و نفوذ و قدرت معنوی مشایخ بارزان در همفکری با مشایخ شم‌دینان شده و حمایت مولانا خالد نقشبندی را به همراه داشت. بعد از فوت شیخ عبدالسلام فرزندش شیخ محمد بارزان تداوم بخش اندیشه‌ی پدر شد و در امتداد فرایند شیوخیت در بارزان بعد از فوت شیخ محمد بارزان در سال ۱۳۸۲/۱۹۰۳، شیخ عبدالسلام دوم به عنوان بنیان‌گذار جنبش بارزان و آغازگر مبارزات سیاسی در کردستان عراق، بارزان را وارد تحولات ملی و مذهبی کردستان نمود تا آنجا که بارزان به عنوان کانون مهم جنبش کردستان مطرح گردید، کانونی که نام آن مترداف شد با قیام و مبارزه برای کرد و کردستان. مبارزه‌ای که ملامصطفی بارزانی با زیرکی مثال زدنی و سیاستی هوشیارانه توانست نام و آوازه آن را از مرزهای کردستان عراق مهندسی نماید.

با نگاهی به سیر تحولات بارزان در تاریخ معاصر کردستان عراق آشکار و با اغماض می‌توان این تحولات را به دو دوره‌ی تاریخی تقسیم نمود، اول دوران گسترش طریقت نقشبندی و جایگاه تکیه‌ی بارزان و دوم ورود بارزان به تحولات سیاسی کردستان عراق و بنیان‌گذاری جنبش رهایی‌بخش کردستان عراق.

الف- دوران گسترش طریقت نقشبندی و جایگاه خانقاه بارزان

این دوره را می‌توان از دوران زندگی شیخ تاج‌الدین تا شیخ محمد بارزان دانست. در این دوره در بارزان همچون دیگر مناطق گردنشین، علماء و فقیهان کرد با تأسیس خانقاه و محافل دینی و مذهبی ارشاد مردم را به جد در دستور کار قرار دادند. در بارزان نیز شیخ تاج‌الدین بارزان که از علماء بنام کردستان عراق بود با تأسیس خانقاه بارزان در کنار مسجد تاریخی این دیار ارشاد دینی و تبلیغ مذهبی را عهده‌دار شد. این فرایند همگرایی مسجد، خانقاه، طریقت و شریعت در طول سالیان متمادی در این منطقه نشان از فهم و درک خردورزانه و توجه به مقتضیات زمان و مکان فقها و مشایخ کرد در ترویج دین و دین‌داری و اسلام فقه‌ای در کردستان بوده که در میان دیگر ملت‌های مسلمان منطقه در خاورمیانه کم‌نظیر است. همگرایی و هم‌زیستی فقه و طریقت در منطقه بارزان تا دوران رهبری شیخ محمد بارزان یعنی ۱۳۸۲/۱۹۰۳ ادامه داشت. با نگاهی به فعالیت‌ها و شیوه‌ی رهبری هر کدام از مشایخ بارزان در این دوران صحت این روند آشکارا نمایان می‌گردد. این رهبران به ترتیب زمانی عبارت بودند از:

۱- شیخ تاج‌الدین بارزان؛ عالم و روحانی مشهور منطقه

بوده است. مریدان بی‌شماری در خدمتش بوده‌اند ایشان بنیان‌گذار تکیه‌ی بارزان بوده و تا پایان عمر در بارزان حضور داشته است.^۱ شیخ تاج‌الدین با توجه به روابط معنوی‌اش با مشایخ و سادات نهری در شم‌دینان مورد توجه شیخ بزرگ، شیخ عبیدالله نهری قرار گرفت تا آنجا که از مجانب وی، به

۱. مه‌سوود بارزانی، بارزانی و بزوتنه‌وه‌ی رژگار یخوازی کورد، به‌رمی به‌که‌م، ل. ۱۶.

همراه فرزندش سیدطه نه‌ری به عنوان جانشین در امور طریقت نقشبندی منصوب شدند و شیخ عبیدالله مریدان خود را به ایشان سپرد.^۲

۲- شیخ عبدالرحمن بارزان؛ فرزند شیخ تاج الدین و عالمی متقی و پارسا بود و تا هنگام مرگ در مقام شیخ بارزان در همان مسیر و سیر و سلوک پدر در خدمت مردم منطقه بود و خانقاه بارزان را به عنوان یادگار پدر رونق بیشتری داد و به مرکز علم و عرفان منطقه تبدیل نمود.^۳

۳- شیخ عبدالله بارزان؛ فرزند شیخ عبدالرحمن، او به دین‌داری و تقوا شهره بود. از خدمات قابل توجه شیخ عبدالله گسترش روابط با مشایخ نه‌ری بود تا جایی که فرزند خود شیخ عبدالسلام را به مدرسه و مکتب شیخ بزرگ سیدطه نه‌ری فرستاد تا درس عرفان و شریعت بیاموزد، درس آموزی که بعدها شیخ عبدالسلام اول را به فقهی درد آشنا تبدیل کرد و ذهن و زبان او را به سمت و سوی تحولات سیاسی کردستان سوق داد.^۴

۴- شیخ عبدالسلام بارزان (اول)؛ جانشین شیخ عبدالله پدر شد و مدرسه علوم دینی بارزان را بنا نهاد، مدرسه‌ای که آوازه‌اش همه منطقه را فرا گرفت و شمار زیادی از طلاب به آن روی آوردند. رابطه‌ی وی با سیدطه نه‌ری بسیار حسنه بود. در زمان او مولانا خالد نقشبندی به بارزان آمد و با توجه به جایگاه فقهی و علمی شیخ عبدالسلام او را رسماً به عنوان خلیفه خود برگزید و در حرکتی معنادار شیخ عبدالسلام را در سفری تاریخی به شمدینان همراه خود برد تا به دیدار سیدطه نه‌ری شیخ بزرگ کردستان نایل آید. شیخ عبدالسلام در سال ۱۲۴۸/۱۸۶۹ سه سال قبل از فوت، کتابی ارزشمند پیرامون فقه اسلامی تألیف نموده است. شیخ عبدالسلام به سال ۱۲۵۱/۱۸۷۲ دارفانی را وداع نمود.^۵

۵- شیخ محمد بارزان؛ بعد از فوت پدر منصب شیخویت بارزان را عهده‌دار شد. او که نزد پدر تحصیلات فقهی را آموخته بود تکیه‌ی بارزان را به پناهگاه مظلومان و ستم‌دیدگان ایلات و عشایر اطراف بارزان تبدیل نمود. شیخ محمد عالمی روشن ضمیر، پارسا و اهل تقوا بود و به عنوان شیخ بارزان مدرسه‌ی علوم دینی بارزان را نیز مدیریت می‌کرد. در کنار این خدمات معنوی خدمت به فقرا و مردم ستمدیده‌ی منطقه، جایگاه شیخ محمد بارزان را نزد مردم دو چندان نموده بود و همین امر موجب شد تا مخالفت بخشی از رؤسای عشایر را با خود برانگیزد، مخالفتی که تا آنجا پیش رفت که آنان نزد مسئولان امپراطوری عثمانی از شیخ محمد شکایت کردند. حاکمان عثمانی نیز که از جایگاه، موقعیت و امکان تحرکات سیاسی شیخ محمد آگاه بودند فرصت را مغتنم دانسته

۲. دانا آدمز شمدت، سفری به سوی مردان شجاع در کردستان، ترجمه‌ی دکتر محمد مجدی، انتشارات محمدی سقز و جوان بخت بانه، ص. ۹۴.

۳. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی یه‌که‌م، ل. ۱۶.

۴. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی یه‌که‌م، ل. ۱۶.

۵. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی یه‌که‌م، ل. ۱۶.

و شیخ محمد را به شهر بتلیس در کردستان ترکیه تبعید کردند، تبعیدی که به علت فشار افکار عمومی بیشتر از یک سال نتوانست دوام بیاورد و شیخ محمد به بارزان برگشت اما دیری نپایید که در سال ۱۲۸۲/۱۹۰۳ به دیار باقی شتافت. از شیخ محمد پنج فرزند پسر به یادگار ماند، پسرای که تنی چند از آنان بعدها در تاریخ کردستان نقش بسزایی ایفا نمودند، عبارت بودند از شیخ عبدالسلام دوم، شیخ احمد، محمدصدیق، بابو و مصطفی.^۶

ب- ورود بارزان به تحولات سیاسی کردستان عراق

شیخ عبدالسلام دوم همزمان با تلاش در جهت اصلاحات در اندیشه و تفکر طریقت نقشبندی گفتمان نوینی را در کردستان عراق آغاز کرد که می‌توان آن را تحولی سیاسی با تکیه بر بنیان‌های طریقت نقشبندی نام نهاد. این جنبش که بعدها با نام جنبش بارزان دو ادبیات سیاسی کردستان عراق شناخته شد با طرحی ۵ ماده‌ای از طرف شیخ عبدالسلام به وجود آمد. شیخ بارزان طی مکتوبه‌ای خطاب به باب عالی امپراطوری عثمانی به صورت رسمی پروسه‌ی اصلاحات در مناطق کردنشین و همچنین مطالبات مردمان این منطقه را از باب عالی بیان نمود. این طرح در بهار سال ۱۲۸۶/۱۹۰۷ در جلسه‌ای در منزل شیخ نورمحمد بریفکانی رهبر تکیه‌ی قادری در روستای بریفکان با حضور رهبران طوایف و عشایر تهیه گردید.^۷

۱- زبان کردی در مناطق کردنشین رسمیت یابد.

۲- آموزش به زبان کردی باشد.

۳- فرماندار و مسئولان نواحی و مقامات از کسانی باشند که با زبان کردی تکلم کنند.

۴- تصمیمات بر اساس موازین شرع باشند.

۵- مالیات همچون سابق باشد مشروط بر این که برای ترمیم جاده‌ها و گشایش مدارس در مناطق کردنشین هزینه شود.

باب عالی به هنگام دریافت تلگراف مطالبات کردها با مهر و امضای شیخ عبدالسلام بارزان آنرا تمبر از حکومت برشمرد و دستور داد محمد فاضل پاشای داغستانی به بارزان حمله نماید. شیخ بارزان دو ماه مقاومت کرد و درحالی که دیگر سران طوایف و عشایر ایشان را همراهی نکردند مجبور شد نزد مارشمعون رهبر آسوری‌ها برود که مورد استقبال ایشان قرار گرفت و روابط بارزانی‌ها و آسوری‌ها را تعمیق بخشید.^۸

تاریخ نگاران این مقطع از تاریخ کردستان عراق را به عنوان نقطه عطفی در تاریخ سیاسی کردهای عراق قلمداد کرده و از شیخ عبدالسلام بارزان به عنوان اولین رهبر اصلاح گر کردستان در تحولات سیاسی و اجتماعی جنبش کردستان عراق نام می‌برند.

فرایند اندیشه‌ی سیاسی و مذهبی شیخ عبدالسلام نام او را

۶. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی یه‌که‌م، ل. ۱۷.

۷. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی یه‌که‌م، ل. ۱۸ و ۱۹.

۸. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی یه‌که‌م، ل. ۱۹.

از مرزهای کردستان عراق فراتر برد و اندیشه‌های او تا تفلیس، روسیه‌ی تزاری و ایران مورد توجه قرار گرفت. این تفکرات و اصلاحات مبنایی شد تا دیگر برادران شیخ بارزان نیز همچون شیخ احمد، ملامصطفی و حتی برادرزاده‌اش مسعود بارزانی نیز تحت تأثیر او قرار گیرند. گزافه نیست اگر گفته شود تفکرات، منش و رفتار شیخ عبدالسلام بعدها نیز تأثیرات قابل توجهی بر جنبش‌های کردی در دیگر مناطق کردنشین از ایران تا ترکیه و سوریه بر جای نهاد.

دوران ورود بارزان به تحولات سیاسی کردستان عراق و بنیان‌گذاری جنبش رهایی‌بخش آن، دوران بزرگ مردانی است که به صورت موجز به آنها اشاره خواهد شد.

۱- شیخ عبدالسلام بارزان؛ جانشین شیخ محمد بارزان شد و از همان ابتدای مسئولیت در بارزان برنامه‌هایی برای اصلاح امور در منطقه پیشنهاد نمود. عمده اقدامات شیخ عبدالسلام را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱- انحلال نظام مالکیت سنتی در منطقه بارزان

۲- تقسیم اراضی میان کشاورزان

۳- حذف مهریه و ممنوعیت ازدواج اجباری زنان

۴- نظم بخشی به روابط اجتماعی

۵- ساخت و تاسیس مسجد در تمامی روستاها برای اقامه‌ی نماز

۶- استفاده از مساجد بعنوان مراکز مهم اجتماعی سیاسی

۷- ایجاد دسته‌های اجرایی در تمامی روستاها برای رتق و رتق امور

شیخ عبدالسلام دوم متفاوت‌تر از دیگر مشایخ بارزان در صحنه‌ی سیاسی منطقه حاضر شد. او بنیان‌گذار جنبش بارزان و آغازگر مبارزات رهایی‌بخش کردها در کردستان عثمانی است. شیخ در مقطعی از تاریخ با پادرمیانی شیخ عبدالقادر شمدینان که نماینده‌ی مجلس اعیان عثمانی بود با باب‌عالی مصالحه نمود و با حکومت عثمانی روابطی حسنه برقرار کرد تا جایی که امپراطوری عثمانی به احترام جایگاه معنوی ایشان نزد مردم منطقه، نشان درجه ۳ عثمانی را به شیخ بارزان اهداء نمود.

همزمان شیخ عبدالسلام از اهمیت مسئله‌ی کرد در دیگر مناطق کردنشین غافل نبود و روابطی اساسی را با دیگر رهبران کرد طرح‌ریزی نمود. او ضمن همفکری با شیخ محمود حفید در سلیمانیه، شیخ عبدالقادر نه‌ری در کردستان ترکیه و اسماعیل آقا سموکو در کردستان ایران و جمعیت تعالی و ترقی کردستان، جمعیت استقلال کردستان و هیوا را نهادینه کرد.^۹

شیخ عبدالسلام در سفری تاریخی به کردستان ایران در روستای راژان میهمان سیدطه محمد صدیق نه‌ری شد و در همین زمان ضمن دیدار با اسماعیل آقا سموکو همراه او به دیدار نماینده تزار روس رفت. شیخ عبدالسلام در دیدار با نماینده تزار روس از او

درخواست حمایت در برابر عثمانی را نمود، درخواستی که بد فرجام بود و در نتیجه‌ی آن پس از بازگشت طی توطئه‌ای از پیش طراحی شده توسط دولت عثمانی دستگیر و در روز ۱۲۹۳/۹/۲۳ برابر با ۱۹۱۴/۱۲/۱۴ پس از محاکمه‌ای فرمایشی حکم اعدام ایشان صادر شد و در کانون دوم ۱۹۱۵ (فروردین ۱۲۹۴) به شهادت رسید.

۲- شیخ احمد بارزان؛ متولد سال ۱۲۷۵/۱۸۹۶ مراد طریقت و مقاومت، زاهدی بلند مرتبه و عارفی مبارز که سخت‌ترین زندان‌ها و دردناک‌ترین تبعیدها را در تداوم جنبش بارزان متحمل شد. شیخ احمد بارزان در سن ۱۸ سالگی و بعد از شهادت برادر بزرگش شیخ عبدالسلام دوم رهبری جنبش بارزان را عهده‌دار شد. به دلیل شایستگی و نقش‌آفرینی در تحولات سیاسی شیخ عبدالقادر نه‌ری به او پیشنهاد نمود رهبری مبارزه‌ی کردهای تحت سلطه عثمانی را عهده‌دار شود. ایشان سال‌ها با امپراطوری عثمانی و استعمار انگلیس مبارزه کرد و در میان مردم کردستان عراق از اعتبار و احترام معنوی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. شیخ احمد بارزان سهم عمده‌ای در ترویج طریقت نقشبندی ایفاء نمود و به عنوان پدر معنوی جنبش بارزان سال‌های سال رنج زندان، تبعید و آوارگی در دو حکومت عثمانی و عراق تازه تأسیس را تحمل کرد. او یار و همراه ثابت قدم ملامصطفی بارزانی در جنبش ایلول بود. شیخ احمد در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ بعد از چند سال عزلت‌گزینی به دیار حق شتافت و در بارزان به خاک سپرده شد.

۳- ملامصطفی بارزانی؛ در میانه‌ی سالهای سال ۱۳۵۸-۱۳۸۲ (۱۹۰۳-۱۹۷۹) رهبر کاریزماتیک جنبش معاصر کردستان عراق بود. او در کنار آگاهی به مسائل دینی و منش مبتنی بر طریقت نقشبندی بزرگترین جنبش سیاسی کردهای عراق را در تاریخ معاصر رهبری نمود. ملامصطفی در حکومت قاضی محمد به‌عنوان ژنرال عالی رتبه‌ی جمهوری مهاباد منصوب شد. بعد از شکست این جمهوری نوپا در نبردی افسانه‌ای با عبور از رود ارس به اتحاد جماهیر شوروی رفت. بعد از ۱۲ سال تبعید، مقتدرانه به عراق بازگشت و در حد فاصل سال‌های ۱۳۴۱/۱۹۶۲ تا ۱۳۵۴/۱۹۷۵ بزرگترین و بنام‌ترین جنبش کردها را با نام جنبش ایلول رهبری نمود. در ۱۳۵۴/۱۹۷۵ پس از معامله‌ای مخفیانه بین شاه ایران، صدام حسین و حواری بومدین معروف به قرارداد الجزایر ناچار به تبعید خودخواسته شد. در ۱۳۵۷/۱۹۷۹ در آمریکا درگذشت و جنازه‌اش را پس از انتقال به ایران در اشنویه به امانت دفن نمودند تا در سال ۱۳۷۲/۱۹۹۴ در تشییع جنازه‌ای تاریخی در میان خیل عظیم مردم کردستان عراق در موطن خود بارزان آرام گیرد.

۴- ادریس بارزانی؛ متولد ۱۳۲۳/۱۹۴۴ میلادی، او پس از بازگشت پدرش ملامصطفی بارزانی از اتحاد جماهیر شوروی به طور جدی وارد عرصه‌ی سیاسی شد و مشق سیاست و طریقت را نزد پدر آموخت. ادریس بارزانی و برادرش مسعود بارزانی را می‌توان دو مشاور امین، دو پیشمرگ جان‌برکف و دو پارتیزان کارآزموده‌ی

۹. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزوتنه‌وه‌ی رزگارخوازی کورد، به‌رمی به‌کهم، ل. ۱۸ و ۱۹.

۱۰. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزوتنه‌وه‌ی رزگارخوازی کورد، به‌رمی به‌کهم، ل. ۱۸.

ملا مصطفی دانست. ادریس بارزانی در مذاکرات با حکومت عراق در دوران احمد حسن البکر در هیات نمایندگی کردستان، نماینده‌ی تام الاختیار ملا مصطفی بارزانی بود.

ادریس بارزانی بعد از فوت پدر به همراه مسعود بارزانی جنبش نوین کردستان عراق را بازسازی و مبارزه برای رهایی کردها و مبارزه با حکومت بغداد را رهبری نمودند. ادریس بارزانی با تشکیل جبهه‌ی کردستانی مبارزات کردهای عراق را وارد فاز جدیدی نمود و در واقع معمار وحدت و همبستگی کردها در دوران مبارزه با حکومت بعث عراق بود. وی در روزهای اوج مبارزه در ژانویه ۱۳۶۵/۱۹۸۷ به رحمت پروردگار رفت.

۵- مسعود بارزانی؛ او در روز اعلام جمهوری مهاباد ۱۳۲۴/۱۹۴۵ در این شهر دیده به جهان گشود. بعد از فوت پدر، رهبری حزب دمکرات و بارزانی‌ها را عهده‌دار شد و در کنار ادریس بارزانی از تأثیرگذارترین افراد در مبارزات حق طلبانه‌ی کردها در کردستان عراق بود و قیام سال ۱۹۹۱ علیه حزب بعث را در کردستان رهبری نمود و با سقوط صدام حسین در ۲۰۰۳/۱۳۸۲ میلادی در تشکیل دولت جدید عراق نقش بسیار بارزی ایفا نمود. وی از ۱۳۷۱/۱۹۹۲ تا ۱۳۹۶/۲۰۱۷ میلادی در کسوت رئیس اقلیم کردستان عراق منشاء تحولات عظیمی شد. او با منشی خاص در کنار حفظ شخصیت اصلی خود به عنوان پیشمرگ کردستان در تعامل با دولت‌های منطقه و قدرت‌های جهانی مسئله‌ی کرد را در جهان معاصر وارد فاز جدیدی نمود. مسعود بارزانی در حال حاضر رهبری حزب دمکرات کردستان عراق را بر عهده دارد.

شیخ احمد عارف آرمان‌خواه

شیخ احمد بارزان در سال ۱۸۹۶ میلادی مصادف با ۱۲۷۵ خورشیدی و ۱۳۱۳ هجری قمری در منطقه‌ی بارزان دیده به جهان گشود. دوران کودکی را با مصیبت فوت پدر و نظاره‌ی مبارزات بی‌امان بارزانی‌ها به رهبری شیخ عبدالسلام دوم در برابر عثمانی سپری کرد و در آغاز جوانی شاهد اعدام برادر خود بود.

با اعدام شیخ عبدالسلام، شیخ احمد علی رغم سن پایین بر مسند رهبری ایل بارزان نشست. او با وجود سن و سال کم، ناآزمودگی و کم‌تجربگی، ذکاوت بسیار از خود نشان داد و راه اصلاحات اجتماعی و عمرانی برادر را پی گرفت و در راستای همان آرمان آزادی‌خواهی که شیخ عبدالسلام دوم در راه آن جان فدا کرده بود، پیش رفت.

شیخ احمد در سال ۱۹۱۹/۱۲۹۸ به درخواست شیخ محمود حفید در منطقه‌ی بازبان جواب مثبت داد و همراه با او در برابر دولت استعمارگر و ظالم بریتانیا به مقاومت و مبارزه برخاست. بزرگان گرد پیشوایی شیخ احمد را در کسوت رهبری آن طریقت، بی‌قید و شرط پذیرفتند و به او پیوستند. شکی نیست حماسه‌سازی‌های شیخ عبدالسلام بارزان و شهادت تراژدیک او در مقبولیت باورهای ملی‌گرایانه‌ی ایل بارزان و قبول رهبری شیخ

احمد بی‌تأثیر نبوده است.

در همین هنگام شیخ عبدالقادر نه‌ری نامه‌ای را توسط شیخ عبدالرحمان شرناختی برای شیخ احمد فرستاد و از او خواست تا رهبری مبارزه‌ی آزادی‌خواهان‌ه‌ی کردهای تحت سلطه‌ی عثمانی را بپذیرد. اما به دلیل احترام و تقدم سن شیخ عبدالقادر این پیشنهاد از طرف شیخ احمد پذیرفته نشد و متقابلاً از خود شیخ عبدالقادر خواست وی رهبری جنبش و مبارزه را در دست بگیرد و برای نشان دادن حسن نیت و تبعیت، ملا مصطفی بارزانی و شیخ عبدالرحمان شرناختی را به نزد شیخ عبدالقادر نه‌ری فرستاد تا در آنجا و در منطقه‌ی دوشی با شیخ عبدالقادر و شیخ سعید پیران دیداری داشته باشند. این دوران که دوران رهبری شیخ احمد بارزان بود یعنی از ۱۲۹۶/۱۹۱۷ تا ۱۲۹۸/۱۹۱۹، یکی از درخشان‌ترین دوران مبارزات کردهای عثمانی است.

با درگیر شدن شیخ محمود حفید با قوای بریتانیایی و جنگ و گریزهای مداوم در منطقه سلیمانیه، شیخ محمود از سران کرد درخواست مساعدت و همکاری نمود که شیخ احمد به این درخواست لبیک گفت و برای تمام روسای عشایر بادینان نامه نوشت و از آنها خواست تا به شیخ محمود کمک برسانند و افراد زبده و کارآمد را برای مبارزه و همکاری با شیخ محمود بفرستند. افراد کارآزموده و زبده طوایف بادینان در قالب چند گروه انتخاب و تحت فرماندهی مصطفی بارزانی به کمک شیخ محمود اعزام شدند.

در سال ۱۳۰۹/۱۹۳۱ میان عراق و شیخ احمد که رهبری بارزانی‌ها را به عهده داشت اختلاف و درگیری روی داد. حکومت در آن زمان می‌دانست که در منطقه‌ی بارزان هیچ نفوذی ندارد و تمام آن منطقه مطیع و فرمانبردار شیخ احمد می‌باشند. دولت این را بر نمی‌تافت به همین دلیل به بهانه‌ی عمران و راهسازی شروع به گذاشتن پست‌های بازرسی نمود. البته در این کار نیت دیگری هم نهفته بود و آن هم این بود که دولت عراق می‌خواست آسوری‌ها و مسیحیان را در آن منطقه اسکان بدهد تا با این روش توازن قومی عشیره‌ای را در منطقه برهم زند. لذا در تاریخ ۱۳۰۹/۱۱/۲۰ برابر با ۱۳۰۹/۲/۹ سرهنگ برقی‌بگ اختلاف میان شیخ احمد بارزان و طایفه برادوست را غنیمت شمرد و بارزان را محاصره کرد. شیخ احمد در برابر او مقاومت کرد و نیروهای عراقی در این جنگ به سختی شکست خوردند و تعداد ۱۲۶ نفر تلفات دادند و تعداد زیادی نیز اسیر شدند. همزمان شیخ محمدصدیق فرمانداری زیبار «بله» را تصرف کرد و فرماندار را به اسارت درآورد. در تاریخ ۱۳۰۹/۱۲/۲۱ برابر با ۱۳۱۱/۳/۱۲ هیئت وزیران عراق تشکیل جلسه داد و راهکارهای مقابله با شیخ احمد را بررسی نمود که متعاقب آن دولت عراق و انگلیسی‌ها هر کدام جداگانه طی نامه‌ای از شیخ احمد خواستند که با حضور در فرمانداری زیبار فرامین این نهاد را به اجرا درآورد اما شیخ نپذیرفت تا اینکه اولین برخورد در تاریخ ۱۳۱۱/۱/۲۹ برابر با ۱۳۱۲/۴/۱۸ در روستای کورکی در نزدیکی میرگه‌سور آغاز شد. در این تهاجم نیروهای زمینی حکومت شکست خوردند. اما نیروی هوایی بریتانیا به سختی این منطقه را بمباران کرد.

در ماه‌های مارس و آوریل نیروهای شیخ احمد به فرماندهی ملامصطفی نیروهای تحت امر ژنرال روبینسون را شکست سختی دادند و ۲۵۳ تن از آنها تلفات گرفتند. در نهایت از نیروهای روبینسون شمار معدودی جان سالم به در بردند. در این اثنا قیام شیخ محمود حفید نیز شکست خورد و قوای انگلیسی سلیمانیه را کامل تصرف کردند و همین مسئله موجب روحیه گرفتن سربازان عراقی و بریتانیایی شد که بر دامنه‌ی حملات خود بر بارزانی‌ها افزودند. بمباران‌ها ادامه یافت و قریب به ۱۳۶۵ خانه از مجموع ۲۳۸۲ خانه در ۷۹ روستا ویران شدند. شیخ احمد از سر ناچاری در ماه ژوئن سال ۱۳۱۱/۱۹۳۲ همراه با ملامصطفی و خانواده‌اش خود را تسلیم مقامات ترک کرد. شیخ احمد به شهر آنکارا منتقل و ملامصطفی به شهر ارزنجان تبعید گردید.

یک سال طول نکشید که در بهار سال ۱۳۱۱/۱۹۳۲ حکومت ترکیه شیخ احمد را طی توافقی با این پیش شرط که جانش محفوظ باشد به مقامات عراقی تسلیم کرد. دولت عراق شیخ احمد را در شهر موصل اسکان داد و او را کاملاً تحت نظر گرفت اما به محض پی‌بردن به ارتباط و مکاتبات او با خلیل خوشوی که هنوز خود را تسلیم نکرده بود او را ابتدا به بغداد و سپس به ناصریه در جنوب عراق تبعید کرد.

در ماه بهمن ۱۳۱۴ برابر با فوریه ۱۹۳۶ خلیل خوشوی که از جانب شیخ احمد فرماندهی گروهی از نیروهای بارزانی را به‌عهده داشت به همراه یارانش در منطقه رکنیان از سوی نیروهای حکومتی به شهادت رسید و با حل مسئله‌ی خلیل خوشوی شیخ احمد و خانواده‌اش به کفری و پردی و بعد به سلیمانیه منتقل شدند. در همان سال عبدالله شرفانی همراه با بکر صدقی به ملاقات شیخ احمد در روستای پردی رفتند تا نظر او را درباره‌ی تاسیس دولت کردی بدانند. اسناد موجود توضیحی در خصوص نظر و دیدگاه شیخ نشان نمی‌دهند.

در مهر ۱۳۲۲ برابر با اکتبر ۱۹۴۳ ملامصطفی به پادگان‌های پلیس حمله کرد و با تصرف پادگان قلعه‌ی شاندر در منطقه‌ی بارزان قیامی مجدد آغاز شد. دولت عراق از شیخ احمد درخواست کرد به ملامصطفی بگوید که حملاتش را متوقف کند. از شیخ احمد نقل شده است که در این خصوص گفته است: «یادم رفت به محمد خالد بگویم که به ملامصطفی بگوید چنان وانمود کند که عصبانی است». محمد خالد نیز نقل می‌کند: «وقتی پیام شیخ احمد را به ملامصطفی گفتم وی با عصبانیت رو به من کرد و گفت من که بنا به درخواست شیخ احمد این قیام را آغاز نکرده‌ام تا بنا به درخواست ایشان آن را متوقف کنم».

سیر حوادث از این تاریخ به بعد آشکارا حکایت از نشستن شیخ احمد بر مسند طریقت و شریعت و طلوع ملامصطفی به‌عنوان رهبر بلامنازع مبارزاتی کردها دارد.

در تاریخ ۱۳۲۴/۵/۱۷ برابر با ۱۹۴۵/۸/۸ فرماندهی بنام بارزانی‌ها ولی‌بگ در روستای رزان و در قلعه‌ی رزان شهید می‌شود. همزمان شیخ صادق به همراه سعید ولی‌بگ پسر فرماندهی شهید ولی‌بگ در میرگه‌سور بودند و در اسرع وقت خود را به آنجا رسانند. اما وقتی به قلعه رسیدند کار از کار

گذشته بود. ملامصطفی هم در روستای «مریبا» در حوالی موصل بود. در همان تاریخ شیخ احمد نامه‌ای به ملامصطفی نوشت و از او خواست که در اسرع وقت بازگردد. در ماه آوریل ۱۳۲۴/۱۹۴۵ شیخ احمد همراه با ملامصطفی و نیروهای پیشمرگه و خانواده‌هایشان از رودخانه‌ی گادر عبور کردند و خود را به کردستان ایران رساندند و در شهرهای مهاباد، نقده و اشنویه و همچنین روستای دیزه دول اسکان یافتند.

در ماه فوریه ۱۳۲۶/۱۹۴۷ تیمسار همایونی به نقده رفت و با شیخ احمد و ملامصطفی دیدار کرد. پس از فروپاشی جمهوری مهاباد شیخ احمد به همراه جمعی از پیشمرگان بارزانی به عراق بازگشت و از طرف نیروهای عراقی دستگیر شد. شیخ احمد به همراه دو فرزندش محمدخالد و جمال و همچنین برادرش محمد صدیق و عبیدالله فرزند ملامصطفی و صادق شیخ بابو به اسارت درآمدند و به زندان بصره در جنوب عراق انتقال یافتند. شیخ احمد تا ۱۳۳۷/۴/۲۳ برابر با ۱۹۵۸/۷/۱۴ در زندان به‌سربرد که در همین ماه به درخواست عبدالکریم قاسم به دیدار او رفت و متعاقب این دیدار آزاد شد تا به بارزان برگردد.

شیخ احمد در سال‌های پایان عمرش فقط به امور دینی پرداخت و از سیاست کناره‌گیری کرد. او در شب شنبه ۱۳۴۷/۱۰/۲۱ برابر با ۱۹۶۹/۱/۱۱ پس از سپری کردن یک دوره بیماری در بیمارستان ابن‌سینای بغداد دارفانی را وداع گفت و در مراسم باشکوهی در بارزان به خاک سپرده شد.

نگاهی به مبارزات شیخ احمد بارزان در آیینی اسناد

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران در سال ۱۳۱۰/۱۹۳۱ از اوضاع شمال عراق و ناآرامی‌های آن گزارشات مفصلی ارائه می‌دهد. هر چند این اسناد پیش از این تاریخ نیز گزارش‌هایی درباره‌ی عراق و کردستان در خود دارند، اما با برپایی جنبشی نو در منطقه گزارش‌های نسبتاً فراوان و قابل توجهی از اوضاع سیاسی تهیه شده و از سوی سفارت ایران در بغداد به وزارت خارجه‌ی ایران در تهران فرستاده می‌شدند. در یک گزارش به تاریخ ۱۳۱۰/۷/۱ برابر با ۱۹۳۱/۹/۲۴ از وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران در بغداد آمده است:

«... در ۲۵ ژوئن شیخ مصطفی برادر شیخ احمد معروف بمعیت جمع زیادی از اتباع خود بشهر عفره وارد و عبدالعزیز بیگ مظفر متصرف لواء موصل هم برای ملاقات و مصاحبه با او هم به شهر مزبور عزیمت نمود. قبل از شرح قضیه لازم است قبلاً مختصری اوضاع جغرافیایی ناحیه زیبار و وضعیت اهالی آنجا معروض گردد... اگرچه اغلب قبائل اکراد آن صفحات مطیع دولت عراق شده و در مقابل قوانین داخلی مملکت سر فرود آورده‌اند ولی عدم اطاعت قبیله مهم و پر جمعیت بارزان که از قدیم الایام اسباب زحمت دولت عثمانی را فراهم کرده و یگانه عامل مهم اضطرابات و اغتشاشات آن صفحات بود تولید وحشتی در قلوب اهالی شمال

کرد و حتی این مسئله حکومت عراق را هم به زحمت دچار کرده بود. حکومت سابق عثمانی همیشه یک ساخلوی منظم نظامی در آنجا داشته و پیوسته قبیله مزبور با دولت عثمانی در زد و خورد و کشمکش بودند و قبل از جنگ عمومی هم والی آنجا موسوم به سلیمان نظیف پاشا رئیس آنها را موسوم به شیخ عبدالسلام دستگیر کرده و او را هم در شهر موصل با چند نفر دیگر از اعوان او اعدام نمود... و پس از اینکه در سال ۱۹۲۳ ملک فیصل به پادشاهی عراق انتخاب شد و برای بازدید نقاط شمالی بموصل رفت تمام روسای عشایر کرد به استثنای قبیله بارزان برای اظهار اطاعت خویش شرفیاب حضور ایشان شده...»^{۱۱}

همین گزارش در ادامه می‌افزاید:

«بارزان قطعه ایست کوهستانی که تمام ایام سال اغلب نقاط آن از برف پوشیده شده است راه‌های آن صعب العبور و مملو از سنگلاخ و پیچیدگی است. جمعیت اهالی بارزان تقریباً پنج الی شش هزار نفر است که تمامی مردان دلاور و شجاع و دستمال‌های سرخ رنگی به سر پیچیده و اغلب دارای تفنگ‌های ترکی و انگلیسی می‌باشند و تمام افراد این قبایل نسبت به شیوخ خود فدائی بوده و هیچ‌کس را بالاتر از آنها نمی‌دانند و کاملاً در مقابل آنها مطیع و بنده‌های مخصوصی در مدح و ثنای آنها می‌سرایند. پس از قتل شیخ عبدالسلام ریاست قبیله مذکور به شیخ احمد بارزانی که هم اکنون رئیس آن قبیله است محول گردید و دو برادر خود شیخ صدیق و شیخ مصطفی را هم با خود در ریاست قبیله همدست کرده و به این مناسبت آنها را هم پشتیبان و کمک خود قرار داده...»^{۱۲}

این گزارش حاوی اطلاعات مهم و دست‌اولی می‌باشد. مقایسه‌ی این گزارش با محتوای کتاب‌ها و دیگر مطالب تاریخی به ویژه اسناد وزارت خارجه بریتانیا نشان می‌دهد که اطلاعات آن از منابع نسبتاً معتبر تهیه شده‌اند. به ویژه تأکید آن بر پیشینه‌ی مبارزاتی بارزانی‌ها در برابر دولت عثمانی قابل توجه است و تأییدی است بر گفته‌های مولف کتاب «بارزانی و بزروتنه‌وهی رزگاریخوایی کورد».

رهبری شیخ احمد بارزان بر ایل بارزان را باید رهبریتی مشترک با ملامصطفی بارزانی دانست. اگر چه بعد از اعدام شیخ عبدالسلام دوم، شیخ احمد بر مسند او نشست اما سیر حوادث و اتفاقات حکایت از این امر دارد که مصطفی بارزانی از همین سال‌ها در کنار شیخ احمد بوده و شاید نقش پر رنگی نیز ایفا کرده است تا جایی که بعضی پژوهشگران را به این شک انداخته

۱۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران ۱۳۱۰/۷/۱ برابر با 1931/9/24

۱۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران ۱۳۱۰/۷/۱ برابر با 1931/9/24

است که اصولاً از ابتدا نیز ملامصطفی رهبری بارزانی‌ها بر عهده داشته است.

«کوچرا» معتقد است که از شیخ احمد نامی در میان نبود و تنها پس از کشته شدن دو افسر انگلیسی در قیام نوامیر بادینان بود که نام او بر سر زبان‌ها افتاد و ناگهان قربانی توطئه‌ی انگلیسی-عراقی شد که در پوشش سرکوب غارت‌های یک شوریده‌ی مذهبی دست به یک رشته عملیات علیه او و برادرانش زدند که سرانجام منتهی به تبعید آنها در ۱۹۳۴/۱۳۱۲ گردید.^{۱۳}

بخش اول گفته‌های کوچرا را نمی‌توان تأیید کرد چرا که پیش از قتل آن دو افسر انگلیسی شیخ احمد وارد کارزار سیاست کردستان و عراق شده بود. در حقیقت شیخ احمد نخستین کسی بود که در سال ۱۹۱۹/۱۲۹۸ به یاری شیخ محمود برخاست.^{۱۴} اما درباره‌ی اجرای یک توطئه‌ی عراقی-انگلیسی علیه شیخ احمد نمی‌توان شکی روا داشت و اسناد موجود و یافته‌های تحقیقی نیز این مساله را مورد تأیید قرار می‌دهند.

هنگامی که در ماه مه سال ۱۹۱۹/۱۲۹۸ قیام شیخ محمود علیه امپریالیسم بریتانیا آغاز شد، شیخ احمد بارزان با وی همکاری نمود و پیامی برای شیوخ و سران قبایل در منطقه‌ی بادینان فرستاد و آنها را به همکاری با شیخ محمود تشویق و تحریض نمود. علاوه بر این شماری از نیروهای خود را به فرماندهی ملامصطفی به جانب شیخ محمود در سلیمانیه گسیل داشت. هر چند شماری از این نیروهای اعزامی در طول مسیر در کمین نیروهای بریتانیا کشته شدند، اما این نیرو وقتی به سلیمانیه رسید که قیام فروپاشیده و شیخ نیز توسط بریتانیایی‌ها دستگیر شده بود.^{۱۵} ظاهراً این نخستین اقدام عملی سیاسی در اوایل دوره‌ی زعامت شیخ احمد بود. درباره‌ی این رویداد و نحوه‌ی همکاری شیخ احمد با شیخ محمود در این مقطع اطلاعات دقیق‌تری موجود نیست، اما همین میزان خود نشانگر گرایش ملی‌گرایانه و ضد استعماری شیخ احمد است.

واقعه‌ی دیگری که در این زمان نام شیخ احمد و بارزانی‌ها را در کانون توجهات قرار داد، جریان قتل دو کارگزار سیاسی بریتانیایی در کردستان بود.

«مک داول» این رویدادها را به نوعی با سیاست بریتانیا و نحوه‌ی واکنش رهبران کرد مرتبط می‌داند. این نویسنده در توضیح سیاست بریتانیا معتقد است که در این زمان «بریتانیا کوشید به شیوه‌ی کارآمد اما به‌دور از خشونت بر قبایل کرد حکومت کند و برای این کار از شبکه‌ای از صاحب منصبان سیاسی استفاده کرد که با روسای قبایل در تماس باشند، منازعات را با کدخدا منشی حل کنند، عواید را گردآوری کنند و نفرتی را برای ژاندارمری و واحدهای شبه نظامی تأمین کنند که بریتانیا امیدوار بود به یاری آنها منطقه را اداره کند. اینها همه مسائل حساسی بودند که در گذشته موجب برخورد بین روسای قبایل و مقامات عثمانی

۱۳. کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونس، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۴۵.

۱۴. مه‌سوود بارزانی، بارزانی و بزروتنه‌وهی رزگاریخوایی کورد، بهرگی به‌که‌م، ل. ۲۲.

۱۵. مه‌سوود بارزانی، بارزانی و بزروتنه‌وهی رزگاریخوایی کورد، بهرگی به‌که‌م، ل. ۲۴.

شکی نیست این سیاست مبنای عمل و تصمیم‌گیری کارگزاران سیاسی بریتانیا بود. در ماه نوامبر ۱۹۱۹/۱۲۹۸ کلنل «بیل» حاکم موصل و کاپیتان «اسکات» حاکم آکره به مناطق سورچی، زیبار و بارزان رفتند. کلنل بیل ضمن تهدید شیخ احمد، عواید سنگینی را بر سران عشایر این منطقه تحمیل کرد. این اقدام واکنش سران عشایر را در پی داشت. از این رو بود که رهبران سورچی و زیباری تصمیم به انتقام از این صاحب منصبان و همراهانشان گرفتند. آنان با جلب نظر شیخ احمد، وی را نیز به مشارکت در این اقدام دعوت کردند. شیخ احمد نیز با فرستادن برادر خود شیخ محمد صدیق در عملیات انتقامی عشایر سورچی و زیباری مشارکت کرده و افسران انگلیسی را به سزای اعمالشان رساندند.^{۱۷} در این ارتباط در گزارش مولف «تاریخ معاصر کرد» آمده است: «متعاقب جرمه‌ای که از سوی یک صاحب منصب سیاسی محلی بر دو تن از روسای زیباری مقرر شد، این دو ناگهان در نوامبر ۱۹۱۹/۱۲۹۸ از شیخ احمد بارزان تقاضای کمک کردند. این دو گروه به اتفاق، صاحب منصب سیاسی انگلیسی و همراهانش را در کمین انداختند و او و بیشتر همراهانش را کشتند...»^{۱۸} در یک گزارش سفارت ایران در بغداد نیز به این واقعه اشاره شده است:

«در زمان تسلط انگلیسی‌ها هم اهالی این شهر (بارزان) دوباره مصدر هر گونه اضطرابی بوده و در اوائل اشغال عراق بمعیت قبایل دیگر اکراد در زیبار بنای عصیان را ضد انگلیسی‌ها گذارده و در اواخر زمستان ۱۹۲۰ مستر «بل» حاکم سیاسی موصل و کاپیتان «سکوت» معاونش را به قتل رسانیدند...»^{۱۹}

هر چند تاریخ این واقعه در گزارش فوق صحیح نیست اما اهمیت این اقدام و مخالفت و مقابله‌ی عینی و عملی بارزانی‌ها با سیاست بریتانیا در کردستان را به وضوح نشان می‌دهد. متعاقب این اقدام نیرویی از شبه نظامیان کرد - و آشوری^{۲۰} - به فرماندهی افسران انگلیسی وارد منطقه شد و خانه‌های روسای زیباری و بارزانی را به آتش کشید و روسای زیباری و بارزانی به کوه زدند.^{۲۱} البته در تداوم همان سیاست پیش گفته‌ی بریتانیا پس از سازشی موقت، ثبات نسبی در منطقه بارزان حاکم شد که بیش از یک دهه با اندکی افت و خیز ادامه داشت. در سراسر این دهه شیخ محمود حفید رهبری جنبش کردستان را در اختیار داشت و مساله‌ی کرد را به مساله‌ی اصلی

عراق و سیاست خارجی بریتانیا در این منطقه تبدیل کرده بود. پس از پایان یافتن قیام شیخ محمود، شیخ بارزان همچون یک رهبر ملی زمام امور جنبش را در اختیار گرفت. اما این حرکت نو چگونه شروع گردید و بر بستر کدام علل و انگیزه‌ها شکل گرفت؟

«کینان» که در کتاب خود بسیار متأثر از اطلاعات و تحلیل‌های ادموندز است، درباره‌ی چگونگی شروع جنبش شیخ احمد نوشته است: «پیش از انتقال قدرت از کارگزاران بریتانیا به حکومت عراق، نظام جدید در کردستان اعلام حضور کرده بود. بریتانیا به رغم مشکلاتی که با نظام قبیله‌ای داشت، این نظام را دست نخورده باقی گذاشته بود. برخی از روسای قبایل سالیانی چند بود که از پرداخت مالیات به دولت سر باز زده بودند و دولت اینک در صدد اعمال اقتدار و حاکمیت خود بود. از این روسای قبایلی که از پرداخت مالیات سر باز می‌زدند یکی هم شیخ احمد بارزان بود که به واسطه‌ی بدعت‌هایی که در دین آورده بود گرفتاری‌هایی برای خود به وجود آورده بود و آتش کینه و اختلاف دیرین را با روسای قبایل اطراف برانگیخته بود».^{۲۲}

به عقیده‌ی مک داول «بسیار اندک بودند کردهایی که از حکومت عرب‌ها استقبال می‌کردند. این امر محرکی از برای احساسات ملی گرد بدل گردید ... روابط شیخ احمد بارزان پیشتر هم با دولت بغداد طوفانی و آشفته بود، لیکن با این همه دولت کاری با او نداشت و گذاشته بود مانند بسیاری از روسای قبایل بی مانع و مزاحم بر روستاها حکم براند. این جریان عملاً نوعی خودمختاری محلی بود. اما در ژوئن ۱۹۲۷/۱۳۰۶ دولت با ساختن استحکاماتی در محل کوشید ناحیه را به زیر حکم و اداره‌ی خود درآورد و این اقدام هیچ خوشایند شیخ نبود. در اکتبر برای جنگ با دولت آماده می‌شد و از دولت خواست به حضور تحریک‌آمیز شبه نظامیان آشوری در منطقه پایان دهد و حق گردآوری مالیات منطقه را به او اعاده کند. در فوریه ۱۹۲۸/۱۳۰۶ نه تنها با همسایگان نیرومندش یعنی زیباری‌ها و سورچی‌ها در تماس بود بلکه بنا بر شایعه با شیخ محمود و سمکو نیز تماس داشت. بریتانیا می‌پنداشت که از ترک‌ها هم اسلحه و مهمات دریافت می‌کند ... مقامات بریتانیایی از برخورد با شیخ احمد واهمه داشتند. شاید می‌ترسیدند که برخوردی آشکار ممکن است احساسات ملی گرد را برانگیزد و برافروزد و این چیزی بود که بریتانیا در این فاصله‌ای که به پیمان بریتانیا و عراق منتهی می‌شد می‌خواست به هر قیمت از آن بپرهیزد».^{۲۳} کوچرا معتقد است «علل و موجبات شورش شیخ احمد بارزان نیز سیاسی هستند و مقامات با همدستی انگلیسی‌ها بر این جریان پرده‌ی سکوت می‌کشند».^{۲۴}

از یک منظر مقایسه‌ی این تحلیل‌ها بر مجموعه‌ای از عوامل تاکید دارند که هر کدام به نحوی موجبات برپایی جنبش بارزان به رهبری شیخ احمد را توضیح می‌دهند. در میان این

۲۲. درک کینان، کردها و کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه، صص. ۱۰۲ و ۱۰۳.
۲۳. مک داول، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیز، تهران، ۱۳۸۰/۲۰۰۱، صص. ۳۱۲ و ۳۱۳.
۲۴. کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۴۵.

۱۶. مک داول، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیز، تهران، ۱۳۸۰/۲۰۰۱، ص. ۲۷۶.
۱۷. مه‌سعوود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی به‌که‌م، ل. ۲۵.
۱۸. مک داول، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیز، تهران، ۱۳۸۰/۲۰۰۱، ص. ۲۷۸.
۱۹. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران ۱۳۱۰/۷/۱ برابر با ۱۹۳۱/۹/۲۴.
۲۰. مه‌سعوود بارزانی، بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی به‌که‌م، ل. ۲۶.
۲۱. مک داول، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیز، تهران، ۱۳۸۰/۲۰۰۱، ص. ۲۷۸.

عوامل، مسئله‌ی «فرقه‌سازی» از سوی شیخ را باید یک جعل بزرگ تاریخی دانست. زیرا اسناد موجود، روایت‌های تاریخی و پژوهش‌های جدید درباره‌ی این امر چنان پر تناقض سخن می‌گویند که حاصل واقعیت این موضوع را با تردید جدی مواجه می‌سازد. در واقع و بنا به عقیده کوچرا این گونه ادعاها زمانی مطرح می‌شود که شیخ احمد با حکومت بغداد دچار مشکل می‌شود.^{۲۵} به بیانی دیگر وقتی بغداد با مسئله حق‌خواهی بارزانی‌ها مواجه می‌شود، به آنها نسبت دروغ فرقه‌سازی می‌دهد، یعنی به کسانی که مورد احترام جمعیت بزرگی از مسلمانان منطقه بودند و همواره و همیشه به باورمندی به شریعت اسلام و طریقت عرفان شهرت داشتند و حتی فراتر از آن خود در جایگاه رهبری یک طریقت بزرگ عرفانی قرار داشتند و نسل اندر نسل پیر و مراد هواداران و مریدان مسلمان خود بودند. بدین ترتیب باید گفت اصل مسأله‌ی «فرقه‌سازی» از جانب شیخ احمد بارزان یک دروغ و جعل بزرگ تاریخی است که از سوی استعمار بریتانیا ساخته و پرداخته شد تا از آن طریق بتوانند برخورد با یک رهبر بزرگ مذهبی را مشروع جلوه دهد. وگرنه شیخ بارزان کجا و بدعت‌گذاری آیینی کجا؟! استعمار در اینجا نیز به دنبال منافع و مطامع خود بود.

موضوعی دیگر که این تحلیل‌ها مورد توجه قرار نمی‌دهند وجه ملی‌گرایانه‌ی جنبش بارزان به رهبری شیخ احمد است. شیخ احمد رهبری ملی‌گرا بود، این را می‌توان از اقدام مهم او در پشتیبانی از شیخ محمود در سال ۱۹۱۹/۱۲۹۸ دریافت. دوازده سال بعد و در گرماگرم قیام آزارات در ماه‌های ژوئیه و اوت ۱۹۳۱/۱۳۱۰ شیخ احمد با فرستادن چند صد رزمنده به یاری شورشیان مواجه می‌شود دولت ترکیه سخت به دولت عراق اعتراض کند. به دنبال این اعتراض‌هاست که دولت برخورد با آنها را در سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار می‌دهد. جالب آن است که مقامات انگلیسی از کمکی که شیخ احمد به کردهای آزارات می‌کند و نیز از درخواست ترک‌ها چیزی نمی‌گویند و اظهار می‌کنند تلاطمی که ناگهان منطقه‌ی بارزان را به لرزه درآورده ناشی از کوشش شیخ احمد به تحمیل دینی تازه است!^{۲۶}

استعمار بریتانیا و دولت دست‌نشانده‌ی بغداد از شایعه‌سازی علیه شیخ احمد طرفی نیستند. آنان ابتدا «برادوستی‌ها»^{۲۷} و «شیخ رشید لولان»^{۲۸} را علیه بارزانی‌ها تحریک کردند. اما اقدام برادوستی‌ها ناکام ماند و با واکنش بارزانی‌ها به شدت دچار شکست شدند.^{۲۹} نکته‌ی قابل توجه آن است که برادوستی‌ها را شیخ رشید لولان تهییج کرده بود و شیخ رشید لولان نیز توسط یک «مامور سیاسی مرموز»^{۳۰} تحریک و اغوا شده بود.

۲۵. کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، صص. ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲۶. کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۴۶.

۲۷. نام یک امیرنشین، طایفه یا گروهی از طوایف کرد؛ ناحیه‌ای در کردستان ایران.
۲۸. از شیوخ نقشبندی که مورد احترام برادوستی‌ها بود. درگذشت وی احتمالاً در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۴ بوده است.

۲۹. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزوتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی یه‌که‌م، ل. ۲۸.

۳۰. کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۴۸.

اگر چه شیخ احمد و بارزانی‌ها این توطئه را با قدرت خنثی کردند^{۳۱} اما این توطئه حلقه‌ی نخست زنجیره‌ای از توطئه‌های استعماری بود که علیه شیخ احمد طراحی شده بود. زیرا پس از آن اقدامات شدید نظامی علیه شیخ احمد آغاز گشت.

پس از عملیات موفقیت‌آمیز بارزانی‌ها علیه عشایر وابسته، دولت عراق به پشتیبانی نیروی هوایی انگلستان تهاجم به بارزان را آغاز نمود. ستونی از ارتش عراق (مرکب از دو گروهان پیاده و یک دسته مسلسل) شب نهم دسامبر بارزان را محاصره کرد به این امید که تفنگچیان شیخ احمد را غافلگیر کند. اما جریان معکوس این پندار از کار در می‌آید و تفنگچیان شیخ احمد شماری اسیر می‌گیرند که یکی از آنها قائم‌مقام «بله» است. فردای آن نیروی هوایی سلطنتی (بریتانیا) روستای بارزان را بمباران می‌کند.^{۳۲} گزارشات سندی موجود شرح فوق را مورد تأیید قرار می‌دهند. به عنوان نمونه گزارش کنسولگری ایران در موصل به تاریخ ۱۳۱۰/۹/۲۴ برابر با ۱۹۳۱/۱۲/۱۶ ضمن تکذیب اخبار منتشره‌ی جراید عراقی از تداوم جنگ در کردستان خبر داده و می‌نویسد:

«... دیروز عده‌ای طیاره بمحل مزبور رفته بمباران نموده‌اند و بقرار مذاکره که با صاحب منصبان بعمل آمد عده تلفات در سه روز قبل از قشون دولتی قرب یکصد و سی و نفر و از طرف شیخ دویست و بیست الی دویست و پنجاه نفر بوده و همه روزه ده دوازده طیاره به زیبار رفته... بقرار اطلاع قسمت عمده جنگ را طیارات انگلیسی نموده‌اند...»^{۳۳}

با استناد به این گزارش باید گفت پرواز روزانه‌ی ۱۰ تا ۱۲ هواپیمای جنگی نشانه‌ای بارز از گستردگی دامنه‌ی درگیری‌ها و شدت خشونت اعمال شده می‌باشد. صد البته «تنها با پشتیبانی نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا بود که (دولت عراق) توانست خود را از معرکه برهاند».^{۳۴} اما در مورد آمار کشته‌شدگان باید محتوای این گزارش را با احتیاط بررسی کرد. به گفته‌ی مسعود بارزانی در این درگیری‌ها ۱۲۶ نفر نیروی دولتی کشته شدند و تعدادی نیز به اسارت درآمدند و تعداد کشته‌شدگان بارزانی ۵ نفر بود^{۳۵} که این آمار برخلاف رقم مورد ادعای گزارش فوق الذکر است. البته با توجه به اظهار نظر اکثر منابع در مورد سنگینی شکست نیروهای عراقی در این نبرد، بعید است که شمار تلفات بارزانی‌ها

۳۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، سفارت شاهنشاهی ایران بغداد، ۱۳۱۰/۱۰/۱ برابر با ۱۹۳۱/۱۲/۲۳؛ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کنسولگری موصل، ۱۳۱۰/۱۰/۴ برابر با ۱۹۳۱/۱۲/۲۶.

۳۲. کریس کوچرا، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۴۹.

۳۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، کنسولگری ایران در موصل، ۱۳۱۰/۹/۲۴ برابر با ۱۹۳۱/۱۲/۱۶.

۳۴. مک داول، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیز، تهران، ۱۳۸۰/۲۰۰۱، ص. ۳۱۴.

۳۵. مه‌سعود بارزانی، بارزانی و بزوتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد، به‌رگی یه‌که‌م، ل. ۳۰ و ۳۱.

چندان زیاد بوده باشد. لذا می‌توان گفت گزارش کنسولگری ایران چندان صحیح نبوده و تنها متکی بر آمار و داده‌های منابع رسمی عراقی است.

وقوع این رویدادها در اواخر سال ۱۳۱۰/۱۹۳۱ بود. ظاهراً حکومت شکست را پذیرفت و منطقه نیز تا حدودی آرام گشت. اما همانگونه که همیلتون در کتاب خود آورده است، حکومت نسبت به کردستان حسن نیت نداشت و حاضر بود با تحمل هر هزینه‌ای آن را از میان بردارد. به گفته‌ی این نویسنده زمانی که حکومت علیه شیخ احمد اقدام نمود، این بهانه را پیش کشید:

«خب! ما با ارتش عراق چه کنیم که هزینه هنگفتی بابت تسلیح و تجهیز آن پرداخت کرده‌ایم، اگر آن را به سوی رواندز اعزام نکنیم تا هنر جنگ را فرا گیرد، (باید) بگذاریم در جنگ علیه کردها هنر جنگ را بیاموزد»^{۳۶}

بدین ترتیب حکومت عراق از همان اوان قصد و نیت جنگ افروزی در کردستان را داشت و به دنبال کوچکترین بهانه‌ای برای شعله‌ور ساختن آتش جنگ بود. سازش موقت دولت عراق پس از لشکرکشی نخست تنها تاکتیک موقت برای سازماندهی مجدد نیرو در فصل بهار بود.

بر اساس گزارش‌های کنسولی ایران در ماه‌های پایانی سال ۱۳۱۰/۱۹۳۲ دولت عراق به شدت در حال آماده‌سازی نیروهای خود بود^{۳۷} و در انتظار خاتمه‌ی فصل سرما. در یک گزارش کنسولگری ایران در سلیمانیه-کرکوک آمده است:

«با کمال توفیق و احترام بعرض می‌رساند در سه روز قبل شنیده شد یک‌عده نظامی از بغداد به کرکوک آمده در نتیجه تحقیقات شنیده می‌شود که حکومت عراق خیال دارد بر سر شیخ بارزان (که داخل لوای موصل است) برود چندی قبل که نام شیخ بارزان میامد اهالی این صفحات عقیده داشتند حکومت عراق نمی‌تواند مشارالیه را دستگیر نماید ولی در این روزها عقیده کردها بر این است که حکومت عراق بواسطه اتحاد و اتفاق با دولت شاهنشاهی و حکومت ترکیه بزودی کار مشارالیه را خاتمه خواهد داد زیرا راه فرار مشارالیه بسته گردیده...»^{۳۸}

زمانی که دولت عراق نسبت به مناسب بودن زمان جنگ و آمادگی نیروها کسب اطمینان نمود، موعد مقرر در واقع فرا رسید. در نشست ۱۳۱۰/۱۰/۲۱ برابر با ۱۳۱۲/۱/۱۲ فرمان تهاجم گسترده به بارزان صادر شد.^{۳۹} به دنبال این فرمان دومین لشکرکشی بغداد علیه بارزان شروع می‌شود. از

۳۶. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد*، بهرگی به‌که‌م، ل. ۳۲.
۳۷. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران. ۱۳۱۰/۱۲/۴ برابر با ۱۳۱۲/۲/۲۴.

۳۸. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، کنسولگری دولت شاهنشاهی ایران: سلیمانیه- کرکوک، مورخه ۱۳۱۰/۱۲/۱ برابر با ۱۳۱۲/۲/۲۱.
۳۹. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد*، بهرگی به‌که‌م، ل. ۳۳.

دی ۱۳۱۰/ژانویه ۱۹۳۲ دولت عراق از کمیسر عالی بریتانیا درخواست می‌کند تا آغاز شدن عملیات، پروازهای نمایشی بر فراز زیبار و بارزان انجام شود. دولت عراق همچنین خواستار همکاری کامل نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در جریان عملیات است. ارتش عراق در فوریه علیه بارزان دست به تعرض زد. این بار نیز شکستی دیگر.^{۴۰}

در اواسط زمستان سال ۱۳۱۰/۱۹۳۲ دولت عراق برای بار سوم لشکرکشی کرد. این لشکرکشی منجر به نبرد مشهور «دولافازی» می‌شود. در نتیجه‌ی این نبرد شمار قابل توجهی از نیروهای عراقی کشته شدند؛ شمار کشته‌ها ۲۵۳ نفر بود و تعداد زیادی زخمی و شماری هم به اسارت نیروهای تحت امر بارزانی درآمدند.^{۴۱} پس از این شکست به شکلی موقت آتش بس برقرار شد. اما دولت عراق به هیچ وجه بنای توقف جنگ را نداشت و بار دیگر در تمامی محورهای منتهی به قلعه‌ی مستحکم بارزانی‌ها در بارزان آتش جنگ را برافروخت. به نظر می‌رسید که عملیات نهایی ارتش و دولت وابسته‌ی عراق در حال رقم خوردن بود. این بار بریتانیا با شدت و حدت بیشتر از دولت عراق حمایت کرد. بارزانی‌ها همچون گذشته در برابر نیروهای عراقی به شدت مقاومت کردند. در ۱۳۱۱/۲/۲۵ برابر با ۱۹۳۲/۵/۱۵ در منطقه‌ی «زیت» ۱۵ نفر از نیروهای بارزانی به فرماندهی احمد نادر در مقابل شمار قابل توجهی از افراد نظامی عراق صف‌آرایی کردند. در پایان «نبرد زیت» جسد ۷۵ نظامی عراقی در میدان نبرد برجای ماند.^{۴۲} در واقع نیروهای کم شمار بارزانی با پیروی از رهبری خود و با الهام از آموزه‌های میهنی و ضد استعماری به شدت در مقابل ارتش عراق و نیروهای بریتانیایی ایستادگی کردند. اما این ایستادگی به دلیل ملاحظات اخلاقی و انسانی شیخ احمد و سران دیگر بارزانی در نقطه‌ای خاص خاتمه داده شد.

روند حوادث به نحوی بود که عراق و بریتانیا را در جایگاه برتر منازعه قرار می‌داد. این برتری هم ناشی از دو علت اساسی بود. حضور شماری از افسران انگلیسی،^{۴۳} نیروهای عراقی را از دیدگاه‌ها و نظرهای نظامی و عملیاتی نیروی مستشاری یک ابرقدرت جهانی بهره‌مند می‌ساخت. اما مهم‌تر از آن و به قول کریس کوچرا «مداخله وسیع نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا و بمباران بی‌وقفه قرارگاه‌های بارزانی است که شیخ احمد را ناگزیر می‌کند خود را تسلیم کند».^{۴۴} در واقع بمباران با بمب‌های تاخیری عده‌ی زیادی از روستائیان را کشت و علیل کرد و افراد شیخ احمد را از

۴۰. کریس کوچرا، *جنبش ملی کورد*، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۴۹.

۴۱. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد*، بهرگی به‌که‌م، ل. ۳۸.

۴۲. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازی کورد*، بهرگی به‌که‌م، ل. ۴۷ و ۴۸.

۴۳. کریس کوچرا، *جنبش ملی کورد*، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۵۱.

۴۴. کریس کوچرا، *جنبش ملی کورد*، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۵۱.

دریافت آذوقه و تدارکات از روستاهای تخلیه شده محروم نمود.^{۴۵} «واسیلی نیکیتین» درباره‌ی تبعات و پیامدهای سرکوب قیام شیخ احمد می‌نویسد:

«سرکوبی شورشیان با نیروی هوایی سلطنتی منجر به ویران شدن ۱۳۶۵ خانه در ۷۹ آبادی گردنشین گردید. حتی در میان خود انگلیسیان چند صدایی به اعتراض بلند شد».^{۴۶}

با مشاهده این وضع بود که شیخ احمد با در نظر گرفتن ملاحظات انسانی و با نگاه به آینده‌ی بارزانی‌ها و کردستان عقب‌نشینی را بر ادامه‌ی جنگ ترجیح می‌دهد و وارد خاک ترکیه می‌شود. البته در اینجا نیز شیخ بارزان ملاحظات خود را دارد و به جای تسلیم گشتن به عراقی‌ها، پناه بردن به ترک‌ها را ترجیح می‌دهد. در گزارش «سر فرانسس همفری» به تاریخ ۱۳۱۰/۴/۱۶ برابر با ۱۹۳۱/۷/۸ به کمیسیون قیمومیت‌ها آمده است که شیخ بارزان به سروان هالت افسر سیاسی بریتانیا می‌گوید:

«من تسلیم شدن به ترکان را که دشمن آشکار منند صدمه‌بار به تسلیم شدن به غلامان انگلیسیان ترجیح می‌دهم».^{۴۷}

به این ترتیب قیام شیخ احمد بارزان که قربانی توطئه‌ای دوگانه بود، پایان می‌پذیرد. در نتیجه‌ی این توطئه‌ی دوگانه‌ی عراقی‌ها و ترک‌ها و توطئه‌ی سکوتی که بر انگیزه‌های حقیقی وی در اقدام به این قیام فرو می‌افتد آخرین شخصیت با نفوذ کرد در منطقه حساس بارزان از میان برداشته می‌شود.^{۴۸} البته این پایان حیات سیاسی شیخ احمد نبود چرا که وی تا هنگام مرگ در سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۴۰/۱۹۶۰ و در اوج جنبش ایلول همچنان در مقام رهبر معنوی بارزانی‌ها نقش ایفا می‌کرد.

حیات سیاسی شیخ احمد بارزان دارای بزنه‌های بسیار حائز اهمیتی است که در پایان این گفتار با تکیه بر بخش‌هایی از آن مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

در پی تشدید دامنه‌ی جنگ و گسترش یافتن حملات هوایی نیروهای بریتانیایی، شیخ احمد به عمق خاک ترکیه عقب‌نشینی کرد، اما در بهار سال ۱۳۱۲/۱۹۳۳ دولت ترکیه وی را تسلیم مقامات عراقی می‌کند. به دنبال آن برادران و مریدان شیخ هم بر آن شدند که خاک ترکیه را ترک کنند و به ناحیه‌ی بارزان بازگردند. چرا که ترک‌ها در خوش‌بینانه‌ترین حالت یا از آنها می‌خواستند خاک این کشور را ترک کنند، یا اینکه ضمن

هماهنگی با نیروهای عراقی به جنگ متوسل می‌شدند و آنها را از میان می‌بردند.^{۴۹}

بازگشت شیخ احمد و ملامصطفی به بارزان در ظاهر توأم با رضایت‌مندی مقامات عراقی بود و گفته می‌شود این بازگشت در پی دریافت تأمین صورت گرفت.^{۵۰} مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران گزارش‌های قابل توجهی در این باره ارائه می‌دهند. در گزارش کنسولگری ایران در موصل به تاریخ ۱۳۱۲/۲/۱۹ برابر با ۱۹۳۳/۵/۹ آمده است:

«بقرار خبریکه رسیده است ترکیه از دولت عراق نسبت به شیخ بارزان و کسان او وساطت نموده و دولت عراق هم با بردن لایحه در این باب به مجلس مشارالیه و همراهانش را عفو نموده است مگر یک نفر اینها را موسوم به خلیل خوشوی. پیروز با رئیس بلدیه ملاقات شد. قائم‌قام زیبار هم که چند روز است بموصل آمده حضور داشت. از این موضوع صحبت بمیان آوردم اظهار داشتند صحیح است و راجع بخلیل خوشوی اینطور گفتند که چون مشارالیه یک نفر پلیس را با فجیع‌ترین وضعی بقتل رسانده و پس از کشتن هم با جنازه او رفتار وحشیانه کرده است لذا حکومت از تقصیر او نگذشته و عفو نکرده است. از محل سکنی شیخ بارزان سؤال کردم قائم‌قام زیبار اظهار داشت هنوز معلوم نیست و اختیار با دولت است ولی بیشتر حدس می‌رود که در محل سابق خود اجازه داده شود سکنی و اقامت نمایند. استحضار بعرض رسانید».^{۵۱}

در سندی از توزیع فرمان عفو دولت عراق سخن گفته شده است:

«بقرار اطلاع حاصله طایرات عراقی نسخ متعددی از قانون عفو عمومی که جدیداً وضع و صادر گردیده است و بزبان عربی و کردی چاپ شده بر شورشیان بارزانی‌ها انداخته و به آنها مهلت داده است که تا ده روز اطاعت و خضوع خودشان را اظهار دارند و امید می‌رود که شورشیان مزبور پس از حصول اطلاع از حسن نیت دولت نسبت به آنها اطاعت و فروتنی کنند چنانکه دیروز اشاعه داشت دولت ترکیه قرار داده است شیخ احمد بارزان را بدولت عراق تسلیم نماید».^{۵۲}

۴۹. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وی رزگاریخوازی کورد*، به‌رگی به‌کم، ل. ۵۱.

۵۰. مک داول، *تاریخ معاصر کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیز، تهران، ۱۳۸۰/۲۰۰۱، ص. ۳۱۶.

۵۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، کنسولگری دولت شاهنشاهی ایران (موصل)، ۱۳۱۲/۲/۱۹ برابر با ۱۹۳۳/۵/۹.

۵۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، ترجمه‌ی شرح مندرجه در *جریده‌البلاغ موصل* شماره ۲۴۷ مورخه ۱۳۱۲/۳/۱۹ برابر با ۱۹۳۳/۶/۹.

۴۵. مک داول، *تاریخ معاصر کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیز، تهران، ۱۳۸۰/۲۰۰۱، صص. ۳۱۴ و ۳۱۵.

۴۶. واسیلی نیکیتین، *کرد و کردستان*، ترجمه محمد قاضی، نیلوفر، تهران، ۱۳۶۶/۱۹۸۷، ص. ۴۲۵.

۴۷. واسیلی نیکیتین، *کرد و کردستان*، ص. ۴۲۵.

۴۸. کریس کوچرا، *جنبش ملی کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه تهران، ۱۳۷۳/۱۹۹۴، ص. ۱۵۱.

در سندی دیگر با عنوان «خاتمه شورش و عصیان در بارزان» از تسلیم شدن ملامصطفی بارزانی سخن به میان آمده است. این گزارش ترجمه‌ی گزارش خبری جریده‌ی *البلاغ* موصل است که مطابق آن:

«بقرار اطلاعیکه از مرجع رسمی رسیده است ملا مصطفی بارزانی برادر شیخ احمد و همکار مشارالیه اوغلو بیگ و کلیه اتباع خود که بیش از ۵۰ و ۶۰ نفر نبوده‌اند و در منطقه بارزان مشغول طغیان و شرارت بوده پس از آنکه مشاهده کردند مقاومت با دولت و اخلاص امنیت در آن نقاط بی‌فایده و از حسن نیت دولت نسبت به بخشودنشان و صدور قانون عفو عمومی مستحضر شدند که اثرات حسنه در آن نقاط بخشید اخیرا توسط مدیر ناحیه شیروان مازن در ولایت زیبار خود را بدولت تسلیم نمودند و حرکت شورش و عصیان در اینجا خاتمه یافت و در اثنای این هفته دولت ترکیه شیخ احمد بارزان را بدولت عراق تسلیم خواهد نمود».^{۵۳}

صرف نظر از جهت‌گیری خصمانه‌ی مندرج در این گزارش باید تأکید نمود که اطلاعات آن با روایت مسعود بارزانی از چگونگی تسلیم شیخ احمد به عراق از جانب ترک‌ها و پذیرش تصمیم شیخ احمد از سوی ملامصطفی بارزانی مطابقت دارد. آن گونه که از اسناد ایرانی می‌توان برداشت نمود و با توجه به روایت مسعود بارزانی، رهبران بارزان پس از خاتمه‌ی جنبش به مدت یک دهه گرفتار سیاست تبعید دولت عراق می‌شوند. ابتدا محل اقامت شیخ احمد، ملامصطفی، شیخ محمد صدیق، شیخ بابو و فرزندان شیخ عبدالسلام در موصل بود. پس از مدتی در اواخر سال ۱۳۱۴/۱۹۳۶ به بغداد تبعید می‌شوند و از آنجا به ناصریه در جنوب عراق فرستاده شدند. در سال ۱۳۱۸/۱۹۳۹ دولت عراق، شیخ احمد و دیگر خانواده‌های در تبعید را برای مدتی کوتاه به التون کوپری^{۵۴} و کفری^{۵۵} فرستاد و در نهایت به سلیمانیه منتقل نمود.^{۵۶} بدین ترتیب پس از سپری شدن یک دهه از دوران تبعید و دوری از وطن، شیخ احمد و خانواده‌های بارزانی به کردستان برگشتند. در این زمان آنان مجال ارتباط با بارزان را بیشتر پیدا کردند و گسترش این روابط در نهایت زمینه‌ساز جنبش نوینی به رهبری ملامصطفی بارزانی شد. نخستین واکنش حکومت عراق به جنبش جدید، تبعید شیخ احمد از سلیمانیه به شهر حله بود. اما با گسترش یافتن دامنه‌ی جنبش بارزان، حکومت به بازگشت شیخ احمد به ناحیه‌ی بارزان رضایت داد.^{۵۷} در ظاهر اینطور به نظر می‌آید که دوران تبعید شیخ احمد به پایان

رسیده باشد و او می‌تواند در میان مریدان خود در بارزان اقامت نماید، اما رویدادهای بعدی عکس این را نشان داد. با وقوع تحولاتی جدید در سال ۱۳۲۴/۱۹۴۵ نیروهای بارزانی به خاک ایران عقب نشستند و شیخ احمد همچون گذشته در مقام رهبر معنوی بارزانی‌ها همگام و همدم آنان بود. در این دوران هر چند ملامصطفی بارزانی فرماندهی نیروهای بارزانی‌ها را بر عهده داشت، ولی جایگاه و مقام معنوی شیخ احمد بارزان به شدت مورد احترام شخص ملامصطفی بارزانی و دیگر بارزانی‌ها بود. به نوعی می‌توان گفت ملامصطفی رهبری سیاسی و نظامی بارزانی‌ها را برعهده داشت و برادرش شیخ احمد رهبر معنوی بارزانی‌ها بود.

بر اساس منابع تاریخی و اسناد موجود شیخ احمد در این مقطع از تاریخ در شهرهای مهاباد،^{۵۸} بوکان، نقده و اشنویه اقامت داشت و در جایگاه رهبری سیاسی و نظامی اغلب امور مربوط به بارزانی‌ها را اداره می‌نمود، ولی این به معنای عدم حضور موثر شیخ احمد نبود. چرا که در مسائل مهم تصمیمات شیخ احمد بسیار تعیین کننده بود. نمونه‌ای از آن را می‌توان در جریان مذاکرات دولت ایران و بارزانی‌ها مشاهده نمود. در جریان مذاکرات هیات بارزانی با مسئولان ایرانی در تهران، به ملامصطفی بارزانی پیشنهاد شد که می‌توانند به عنوان یک ایل در منطقه‌ی الوند همدمان سکونت نمایند. بارزانی در مقابل تأکید نمود که تصمیم نهایی در این باره با شیخ احمد است.^{۵۹} مسئولان ایرانی نیز ۲۴ ساعت مهلت دادند که شیخ احمد تصمیم لازم را اتخاذ نماید.^{۶۰} در نهایت بارزانی‌ها در برابر هرگونه پیشنهاد خلع سلاح و اقامت اجباری در نواحی داخلی ایران مقاومت کردند و پس از جنگ و گریزهای پیاپی از ایران خارج شدند.

با عقب‌نشینی بارزانی‌ها از خاک ایران، روند حوادث به گونه‌ای رقم خورد که ملامصطفی بارزانی و پانصد نفر از نیروهای وی را به سمت یک عملیات خارق‌العاده‌ی نظامی سوق داد و شیخ احمد و دیگر خانواده‌های بارزانی را به سمت عراق. اما با بازگشت شیخ احمد و دیگر بارزانی‌ها سرنوشتی تلخ در انتظار آنان بود. شیخ احمد و تمامی افراد خاندان بارزانی به دیگر شهرهای عراق تبعید شدند. در این میان حکومت از شیخ احمد بیش از دیگران انتقام گرفت، چرا که وی تا انقلاب سال ۱۳۳۷/۱۹۵۸ در زندان‌های رژیم پادشاهی عراق محبوس ماند.^{۶۱} پس از جنبش ایلول، شیخ احمد از زندان آزاد شد و به بارزان برگشت. وی در جریان این جنبش در مقام رهبر معنوی همواره یاور و پشتیبان ملامصطفی بود. شیخ احمد بارزان پس از عمری تلاش و مبارزه سرانجام در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ در یکی از بیمارستان‌های بغداد درگذشت و در بارزان برای همیشه آرام گرفت.

۵۸. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازیی کورد*، بهرگی یه‌که‌م، ل. ۱۶۷.

۵۹. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازیی کورد*، بهرگی یه‌که‌م، ل. ۲۰۱.

۶۰. ویلیام نیگلتن جونور، *کوماره کوردیه‌که‌ی ۱۹۴۶*، ص. ۲۱۹.

۶۱. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازیی کورد*، بهرگی یه‌که‌م، ل. ۲۴۷ و ۲۴۸.

۵۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، ترجمه شرح مندرجه در جریده *البلاغ* موصل شماره ۲۴۹ مورخه ۱۳۱۲/۳/۲۶ برابر با ۱۹۳۳/۶/۱۶.

۵۴. شهری کوچک در استان کرکوک در عراق.

۵۵. از شهرهای توابع استان دیاله فعلی در عراق.

۵۶. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازیی کورد*، بهرگی یه‌که‌م، ل. ۵۳-۵۷.

۵۷. مه‌سعود بارزانی، *بارزانی و بزووتنه‌وه‌ی رزگاریخوازیی کورد*، بهرگی یه‌که‌م، ل. ۱۲۵.

ضرورت انتشار و اهمیت تاریخی اسناد جنبش بارزان

آرشیوها و مراکز اسنادی ایران گنجینه‌ای عظیم از مدارک و اسناد ارزشمند تاریخی را در خود جای داده‌اند که پژوهشگران را برای انجام هرگونه کار تاریخی و هر نوع پژوهش مرتبط با گذشته یاری‌رسان است. در نگاه اول چه بسا این گونه به نظر آید که مراکز اسنادی ایران تنها مدارک مربوط و مرتبط با اوضاع داخلی کشور را نگهداری می‌نمایند و در پیوند با دیگر موضوعات و مسائل خارج از ایران، اسناد و مدارک قابل توجهی نداشته باشند. اما تنها با یک جستجوی گذرا در مخازن آرشیوی می‌توان دریافت حجم بسیار زیادی از اسناد و مدارک به موضوعات و مسائل مربوط به خارج از مرزهای ایران اختصاص دارد. این حجم عظیم از یک طرف اسناد گسترده، پیوسته و دقیق تاریخ روابط خارجی ایران با کشورهای همسایه و دیگر کشورهای جهان را دربردارد و از طرف دیگر مشتمل بر مدارک و اسنادی است که بر موضوع تحولات داخلی کشورهای دیگر اشتمال دارند. در این میان بدیهی است که اسناد مربوط به روابط ایران با کشورهای همسایه و پیگیری تحولات داخلی آنها از ارزش و اهمیت افزون‌تری نسبت به دیگر اسناد برخوردار باشند. در میان کشورهای همسایه ایران نیز، کشور عراق جایگاهی خاص دارد؛ پیشینه‌ی روابط ایران و عثمانی پیش از تاسیس عراق، نوبودگی عراق، گستردگی مرزهای مشترک و برخی از اختلافات تاریخی پیرامون آن، روابط تجاری، وجود اماکن مقدسه‌ی شیعیان در عراق، بی‌ثباتی سیاسی حاکم بر آن، بافت و ساخت قومی و مذهبی و در نهایت مسئله‌ی تاریخی کردها و کردستان در این کشور، عراق را به کشوری مهم و استراتژیک در روابط خارجی ایران تبدیل نموده است.

از اواخر دوره‌ی قاجار و از اوان دوران پهلوی دستگاه سیاست خارجی ایران و دیگر ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی ایران، عراق را در مرکز توجه قرار داده‌اند و همین امر باعث آن گردیده که گزارش‌های پیوسته، منظم و نسبتاً دقیقی از روابط ایران و عراق، وضعیت مرزهای مشترک و اوضاع داخلی ایران عرضه شوند که امروزه به صورت اسناد ارزشمند تاریخی در اختیار ما قرار گرفته‌اند.

جنبش بارزان در آیین‌های اسناد ایران

کردستان عراق از نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم، در زمانی که هنوز بخشی از امپراتوری در حال فروپاشی عثمانی بود، به یکی از کانون‌های اصلی جنبش‌های سیاسی کردستان تبدیل گشت. از آغاز سده‌ی بیستم این جنبش‌ها و حرکت‌ها در اشکال مختلف فکری، سیاسی و نظامی بیشتر از پیش قدرتمند شدند و با توسل و اتکا به اندیشه‌ی ناسیونالیستی درصدد احقاق حقوق کردها بودند. در طول جنگ جهانی اول و در پی تحولات رخ داده، جنبش هویت‌خواهی کردها شتاب

بیشتری به خود گرفت. همین امر کردستان عراق را کانون و مرکز تحولات سیاسی ساخت.

جنبش شیخ عبدالسلام بارزان و شیخ محمود برزنجی علیه عثمانی، بریتانیا و دیگر همکام دست‌نشانده، کردستان را به قطب اصلی تحولات سیاسی در عراق تبدیل نمود. بدون تردید این تحولات سیاسی نمی‌توانست از نگاه دولتمردان ایرانی مغفول بماند. دستگاه سیاست خارجی ایران و کارگزاران آن همراه با برخی دیگر از نهادهای کشوری و لشکری، تحولات کردستان عراق را مورد نظر داشتند و به تهیه‌ی گزارش‌ها و اخبار مربوط به آن اقدام می‌کردند. نگاهی اجمالی به اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران و مراکزی از این قبیل نشانگر آن است که مسئولان، سیاستمداران و دولتمردان ایران رویدادهای کردستان عراق را اغلب با دقت و وسواس مورد توجه قرار می‌دادند. قیام شیخ عبدالسلام بارزان علیه سلطه‌ی عثمانی، حرکت‌های متداوم و تلاش‌های مبارزه‌جویانه‌ی شیخ محمود برزنجی علیه بریتانیا، جنبش شیخ احمد بارزان و بارزانی‌ها، حرکت ملامصطفی بارزانی، کودتای عبدالکریم قاسم و اثرات آن بر کردستان عراق و جنبش ایلول مقاطع مهمی از تاریخ مبارزات این سرزمین هستند که در اسناد ایرانی به صورت گسترده بازتاب یافته‌اند.

در این اسناد اطلاعات گرانبها و ارزشمندی از برهه‌های مهم تاریخ کردستان عراق آمده است که از یک جهت به روشن شدن زوایای مهم یا تاریک و یا مغفول تحولات تاریخی کمک می‌کند و موجب ارتقای فهم ما از جنبش مبارز کردی در کردستان عراق می‌شود و از جهت دیگر یاری‌رسان مورخان و پژوهشگران خواهد بود تا بتوانند به شکلی بهتر و مناسب‌تر به روایت تاریخ کردستان بپردازند. البته این سخنان به معنای تأیید جهت‌گیری‌های سیاسی، نواقص، کاستی‌ها، اشتباهات و غرض‌ورزی‌های این اسناد نیست، بلکه بیشتر تأکیدی است بر اهمیت اسناد مربوطه و ضرورت انتشار آنها در روزگار فعلی در انجام و تکمیل این پژوهش تاریخی. باشد تا مخاطب پرحوصله و با انگیزه را به مطالعه‌ی عمیق، دقیق و انتقادی این اسناد فرا بخوانیم.

سرانجام

اسناد این مجموعه تنها بخشی محدود از اسناد مربوط و مرتبط با جنبش بارزان را در برمی‌گیرند. پژوهشگران و علاقمندان این حوزه اطلاع دارند که پیش از این مجموعه‌ای از اسناد مربوط به بارزانی‌ها از سوی انتشارات مرکز اسناد ملی ایران با تلاش استاد محمدعلی سلطانی در کتابی تحت عنوان «اوضاع سیاسی، اجتماعی، تاریخی ایل بارزان» در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است که جای تقدیر و سپاس دارد. در مجموعه‌ی پیش روی که حاصل تلاش و پیگیری‌های مولف در چند سال اخیر است، تلاش

اصلی در این جهت بود که علاوه بر اسناد منتشره، اسناد جدید گردآوری و در اختیار مخاطب علاقمند گذاشته شود. در همین راستا مجموعه اسناد تاریخی ارزشمندی درباره‌ی شیخ عبدالسلام بارزان برای بار نخست گردآوری و آماده‌ی انتشار شدند. احتمالاً این اسناد تنها بخشی از آرشیوهای مهم ایران درباره‌ی این شخصیت تاریخی باشد و باید چشم انتظار آن بود که در آینده دیگر اسناد مربوطه مجال انتشار یابند. این سخن درباره‌ی اسناد مربوط به شیخ احمد بارزان و ملامصطفی بارزانی نیز مصداق دارد. خواننده‌ی پیگیر و پژوهشگر علاقمند در این مجموعه مشاهده خواهد کرد که اسناد مهم و قابل توجهی درباره‌ی این دو بزرگ‌مرد بارزان گردآوری و چاپ شده‌اند، اما در این باره نیز نمی‌توان تردید به خود راه داد که حجم اسناد بسیار بیشتر است و گنجینه‌ی عظیم اسناد ایرانی باید بیشتر مورد کند و کاو قرار بگیرند تا اسناد مهم‌تر و ارزشمندتری استخراج شوند. از همین رو باید به خوانندگان گرامی یادآور شد که آنچه در این مجموعه آمده است تنها بخشی از گنجینه‌ی عظیم اسناد ایرانی می‌باشد. کوشش‌های مولف و مساعدت‌های همکاران و همراهان تا این لحظه به تولید و چاپ این مجموعه انجامیده است. با این امید که تلاش‌ها و کوشش‌های آتی در انتشار دیگر اسناد مربوط به جنبش بارزان مثمر ثمر بوده و جلد دوم شیخ احمد بارزان در آیینی اسناد عثمانی را در پی داشته باشد.

امیدوارم این اسناد تاریخی به‌عنوان برگی زرین جنبش کردستان و مبارزات خاندان بزرگ بارزانی را که در گذشت روزگار بسی‌زوال مانده‌اند به مهمانی چشمان جستجوگر خواننده فراخواند و بازخوانی و روایت تاریخ گذشته که با روش نوین تاریخ‌نگاری تقدیم شده است، مورد توجه پژوهشگران، محققان و تاریخ‌نگاران قرار گیرد. بی‌شک جمع‌آوری انبوه اسناد تاریخی پراکنده در چندین مرکز اسناد و آرشیو در ایران مستلزم زمان زیادی خواهد بود تا در یک برنامه‌ریزی صورت گرفته توسط انستیتو فرهنگی کردستان، با کمک پژوهشگران، در پژوهش‌هایی ارجمند و در فرایندی تعریف شده در مجله‌هایی با نام و نشانه‌ای از جنبش کردستان تقدیم اهالی تاریخ شوند تا فقدان مستندات تاریخی را در تکمیل فرآیند تاریخ‌نگاری جنبش بارزان جبران کرده و محققان و پژوهشگران را در واکاوی و مطالعه‌ی آن بهره‌مند نمایند. در خاتمه از همراهی آقای یونس قربانی‌فر و همکارانم در انستیتو فرهنگی کردستان نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

بهرام ولدبیگی
انستیتو فرهنگی کردستان - تهران
اسفند ۱۳۹۷ / مارس ۲۰۱۸

www.ketab.ir